

# امنیت کشور را با حاکمیت قانون انقلاب حفظ کنیم!

## آقای بنی صدر!

### واقعا هر انقلابی به استبداد منجر میشود؟

\* تاسفناکیز و حیرت آور است که رئیس جمهوری اسلامی ایران به نوشته یک پرفسور آمریکائی در روزنامه جناح ریگان استناد کند و تئوری او را تکوین و اثبات نماید!

آقای دکتر ابوالحسن بنی صدر، رئیس جمهوری، نظریه جدیدی را در سخنرانی خود به مناسبت دومین سالروز پیروزی انقلاب مطرح کرد. این نظریه جدید اینست که: «نتیجه هر انقلابی استبداد است»!

رئیس جمهور ابتدا منبع این نظریه را، معرفی کرد و گفت: «یک روزنامه آمریکائی وابسته به جناح ریگان بنام هارالد تریون درباره سرنوشت انقلاب ما و در حقیقت هدفی که در دسترس است»!

نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۴۶  
سه شنبه ۲۸ بهمن ۱۳۵۹، مطابق با  
۱۱ ربیع الثانی ۱۴۰۱-۱۴۰۰: ۱۵۰ ریال

## هشدار میدهیم: ضدانقلاب قصد دارد کامیونداران را به اعتصاب بکشانند

ضدانقلاب فعالیت گسترده‌ای را برای به اعتصاب کشاندن کامیونداران آغاز کرده است. بهانه ضدانقلاب برای به اعتصاب کشاندن کامیونداران، سهپه بندی گازویل است. کسر کردن ۱۵۰ ریال بابت هر کیسه‌ای که کامیونداران کم می‌کنند، بهانه دیگری برای برپائی اعتصاب است، که زمان آن هفته آینده تعیین شده است.

پراساس اطلاعات رسیده، پندرعیلی، پندروشهر، تیریز، چلفا و بازرگان، که در حال حاضر کالاهای عمده وارداتی از این مناطق به کشور وارد می‌شود، برای آغاز اعتصاب در نظر گرفته شده است.

ضدانقلاب قصد دارد با برپائی این اعتصاب کشور را با کمبود کالا روبرو کند و باین ترتیب مردم را ناراضی کند.

ما ضمن اعلام اینکه اعتصاب کامیونداران در شیلی، یکی از حلقه‌های اساسی توطئه امپریالیسم برای درهم شکستن دولت انقلابی آئینده بود، به مقامات مسئول در این زمینه هشدار می‌دهیم. مقامات مسئول باید بدون درنگ

ضدانقلاب در هفته‌های اخیر از میان بردن امنیت کشور را هرچه بیشتر در مرکز توطئه‌های خود قرار داده است. این تلاش ضدانقلاب برای ایجاد ناامنی در کشور، که در واقع ناشی از قانونمندی مبارزه تشکاتگ انقلاب با ضدانقلاب است، نزدیک به دو سال است که در لباس هزاران توطئه و ترینگ اجرا میشود.

درواقع از همان روز ۲۴ بهمن ۱۳۵۷، که گروهی ساواکی در تهران، زیر نقاب اسلامه بهزنان بی‌حجاب حمله کردند و سپس خود اولین تظاهرات علیه جمهوری

## هشدار:

### توطئه فئودال های منطقه مغان علیه انقلاب

حدود ۵۰ تن از فئودالهای منطقه مغان، که با پیروزی انقلاب، منطقه را ترک کرده بودند، دوباره به منطقه بازگشته‌اند. طبق اخبار موثقی که بدست ما رسیده است، این افراد قصد اجرای توطئه‌هایی در این منطقه مهم کشاورزی کشور را دارند. گفته میشود که این فئودالها با یکی از فئودالهای مشهور این منطقه، که اکنون در کشور ترکیه به سر می‌برد، ارتباط نزدیک دارند.

از مقامات مسئول میخواهیم که با رسیدگی دقیق به وضع این فئودالها و با اعمال قاطعیت انقلابی در برابر توطئه‌های این افراد، از بروز هرگونه آشوب، درگیری و هرج و مرج در این ناحیه مهم کشاورزی کشور جلوگیری کنند.

ما همچنین از تمامی روستائیان زحمتکش منطقه می‌خواهیم که با هوشیاری انقلابی خود در مقابل دسائیس شوم این ضدانقلابیون، و همکاری با ارگانهای انقلابی، نظیر سپاه پاسداران انقلاب و جهاد سازندگی، هرگونه نقشه توطئه آمیز از سوی فئودالها و عوالمشان را خنثی سازند.

## مشکل مسکن باید به شیوه انقلابی و با قاطعیت حل شود

به سلطه شرکتهای چند ملیتی و وضع نابسامان تولید و توزیع دارودر کشورمان پایان دهیم

فدراسیون بین المللی حقوقدانان دمکرات را بشناسیم

## نه، این قافله را سر باز ایستادن نیست

### رفیق کارگر، توده‌ای قهرمان، مجید قالیباف، قلب خویش را نثار انقلاب کرد

\* رفیق شهید قبل از اعزام به جبهه می‌گفت: «اگر شهید شدم، مهم نیست، چون در راه عقیده و مرام خویش شهید خواهم شد».



خویش، رژیم جنایتکار صدام را به تجاوز به خاک ایران واداشت، انقلابیون گروه گروه برای نبرد با دشمن متجاوز به سوی جبهه روانه گشتند. رفیق مجید نیز بعد از انتشار فراخوان کمیته مرکزی حزب توده ایران، در جمع منتهی خدمت‌های سال ۵۶، از اولین کسانی بود که خود را برای اعزام به جبهه معرفی کرد. او وقتی به جبهه می‌رفت، می‌گفت: «ما توده‌ای‌ها باید در صف اول نبرد باشیم».

و این هنگامی بود که چند ماهی بیشتر از تودهای شدن رفیق مجید نمی‌گذشت. او سرانجام پس از چند سال مبارزه، در پی انواع گرایشها، به حزب توده ایران زوی آورده بود. خودش می‌گفت: «پس از چند سال که در میان انواع گرایشها به فعالیت پرداختم، سرانجام دریافتم که تنها چیزی که میتواند حافظ منافع طبقه کارگر باشد، حزب توده ایران است».

رفیق مجید روز قبل از اعزامش به جبهه، به سراغ یک رفیق توده‌ای رفت و گفت: «بقیه در صفحه ۲»

رفیق قهرمان دیگری با نثار جان خویش در راه انقلاب، به قافله شهیدان تودهای پیوست. رفیق قهرمان، کارگر توده‌ای، مجید قالیباف نیز، چون دیگر شهیدان حزب ما، قلب پرملتی خود را هدیه انقلاب کرد.

رفیق شهید مجید قالیباف در سال ۱۳۳۵ در تبریز، در یک خانواده زحمتکش پدینا آمد. او نیز چون میلیونها کودک دیگر ایرانی، از همان کودکی یاقق و رفق رو در رو شد. رفیق مجید روزها هم کار می‌کرد و هم درس می‌خواند. وی سرانجام در کلاس دهم دبیرستان برای تأمین خرج خانواده مجبور به ترک تحصیل شد. رفیق مجید ابتدا به کفالتی رو آورد و سپس به لوله‌کشی پرداخت، و سرانجام بعد از پایان خدمت سربازی، در کارخانه تراکتورسازی به استخدام درآمد. و این آغاز شکستن غنچه‌های انقلاب بود. رفیق مجید ناشوری برپایان به حنف مقدم اعتصابها و تظاهرات زیوست و تاپایان همانجا ماند. آنهایی که آزمونشان در کارخانه بودند، به خوبی بیاد

## بر اساس اطلاعیه ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران: رزمندگان نیروی دریائی، در جبهه خونین شهر، تعدادی از مواضع دشمن را ویران کردند

در ادامه نبرد با تجاوزگران صدامی در جبهه‌های جنوب و غرب کشور، رزمندگان انقلابی شریات دیگری بر آنان وارد آوردند.

ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، در اطلاعیه شماره ۴۰۶ خود، قسمتی از عملیات نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران را با اطلاع همگان رسانده. برطبق این اطلاعیه، روز ۲۵ بهمن رزمندگان انقلابی با اجرای آتش توپخانه و سلاحهای سنگین، ۶ تانک، ۶ خودرو، یک لودر و ۲ انبار مهمات متجاوزین را منهدم کردند و حدود ۲۰ نفر از افراد دشمن را کشتند و یا زخمی کردند. همچنین رزمندگان نیروی دریائی در جبهه خونین شهر، با آتش سلاحهای سنگین، تعدادی از مواضع دشمن را ویران کردند. دراتی این عملیات در از متجاوزین مجروح شدند. در همین روز تجاوزگران صدامی، شهر آبادان را با سلاحهای سنگین مورد هدف

بقیه در صفحه ۷

### امنیت کشور را...

بچه از منته ۱  
مناظره که استانی کل کشور موسوی  
بردیگی، دادستان کل کشور گفت،  
ضد انقلاب بدقت تمام میدانند  
که:

۵۵ حکومت قانون صد درصد  
در نظام ما حکمفرما نیست و  
امنیت قضایی تامین نشده  
مشکلات دیگر ما حل نمیشود حتی  
مشکلات نظامی، زراعت، خدمات،  
صنعت، اداری و غیر اینها. اگر  
با امنیت قضایی و حکومت قانون  
را نداشته باشیم، خود عدم حکومت  
قانون موجب اعتراض را باالگیریه  
(نماز جمعه ۲۴ بهمن ۵۹)

و ضد انقلاب براساس این  
شناخت چندینی که حاصل  
سالیان دراز سرکوب خلقهاست -  
می گوید تا با اختلال و خرابکاری  
و از میان بردن امنیت، مانع از  
استقرار نظام جدید شود و با  
استفاده از تجارب سازمانهای  
جنوسی و مطبوعاتی ایالتی و شهرستانی  
امور را از هم بپاشد. ضد انقلاب  
پس نیست که در این امر موفق  
شد - حتی در حد برپا کردن  
یک درگیری - آن را به حساب  
انقلاب می نویسد و خود درباره  
اینکه انقلاب قادر نیست امنیت  
زندگیمان را تامین کند تبلیغ  
می کند. برای نیل به این هدف  
که دوری یک سکه است  
نیروی عظیمی از نوکران و  
چلوسان امپریالیست یا بوجده  
حکومت فعالیت می کنند. بویژه  
در کشورهای رو به رشد که  
طبقات بینایی در آنها وزنه  
بسیار سنگین و اغلب تعیین  
کنندهای در عرصه سیاست دارند  
این فعالیت می تواند اثرات مخرب  
و گاه مملکتی بجای انگلاند  
حداقل امر دلخواه امپریالیست  
این است که، با استفاده از این  
وضع، ابتدا طبقات بینایی و  
سپس توده های تحتانی را نسبت  
به انقلاب بی تفاوت کند و سر -  
انجام ضربه نهایی را بزند. این  
سیاست که در کار انواع و اقسام  
توطئه های دیگر اجرا می -  
شود و در مرحله اول به پایکام  
های داخلی امپریالیست، عمال  
رزیم سابق، سارقین و لوثان  
متکی است. این مثال در شبلی  
با موفقیت کامل انجام شد. ملت  
در ایران هم توده های بدست  
در روز بعد از پیروزی مرحله  
اول انقلاب ایران اجرای این  
توطئه خود را آغاز کرده است.  
متأسفانه باید گفت، افسوس  
که شایسته انقلاب ایران است  
و در پیچش موارد درست برخلاف  
خواستهای انقلاب هنوز که دو  
سال از پیروزی انقلاب میگذرد  
مقاومت انقلاب در این باره به  
اجرا در نیامده و یا ناصی پلچرا  
در آمده است.

در این زمینه، آیتالله موسوی  
بردیگی، دادستان کل کشور،  
در نماز جمعه ۲۴ بهمن ۵۹ در  
بیست زمره گفت:  
«دو سال از انقلاب ما گذشته  
مسائل زیادی حل نشده. برای  
از مسائل حل نشده داریم: از  
مسائل که حل نشده یکی  
مسئله قانون است. بر سر و  
خواهر در جلسه ما ۵ قانون  
چک هر عملی بر قانون را گرفته  
۵ رقم و اعتبار چک هر رقم  
هرج و مرج را گرفته، مسا  
مشکلات دیگر را شاید نتوانیم  
حل کنیم»  
سخنان دادستان کل کشور  
با رشد بی سابقه فعالیت ضد انقلاب

که از میان بردن امنیت را یکی  
از ارکان فعالیت خود قرار داده،  
همزمان است. این سخنان وقتی  
گفته میشود که ضد انقلاب آشکارا  
و بیپرده در جشن سالروز انقلاب  
به پیروزی میپردازد و توطئه  
و سیمی را علیه انقلاب سازمان  
میدهد. این همزمانی نشان می -  
دهد که توطئه خائنه مقامات مسئول  
به توطئه دشمن واقفند و به  
گفته دادستان کل کشور:  
«کسانی که زبانی میشود که حتی  
یک روز زودتر حکومت قانون  
برقرار شود» (همانجا)

این نظر کاملا درست است،  
زیرا شرط اول برقراری امنیت،  
جزئی جز حاکمیت قانون انقلاب  
نیست. در شرایط موجود ضد  
انقلاب، بویژه با استفاده از  
جنگ عظیمی امپریالیست آمریکا،  
در دو زمینه سعی در از میان  
بردن امنیت دارند: اول از راه  
دامن زدن به درگیریها و تشنج  
سیاسی، دوم از طریق ارتش  
قل، راهزنی، دزدی، حمله در  
مبارز عمومی به مردم و... که  
ضالیت نوع دوم نیز نمیتواند مورد  
بهرمندی سیاسی قرار گیرد  
و میگوید هدف از هر دو ضالیت  
آماده کردن زمینه برای زدن  
ضربه نهایی به جمهوری اسلامی  
ایران است.

بمنظر ما، برای انقلاب دشمنان  
حیاتی دارد که مسئولان کشور،  
بدون فوت یک لحظه، با احتیاطی  
و قاطعیت با این توطئه وسیع  
دشمن روبرو شوند و آن را خنثی  
کنند.  
در مورد فعالیت نوع اول -  
یعنی درگیریها و تشنجات  
سیاسی - احتیاطی حسیق به  
موازنات قاطعیت ضرورت دارد.  
باید کوشید تا با اعمال شایسته  
و بدون کوشش با حق، نخواست  
پسود ضد انقلاب عمل نکند و  
افراد ناآگاه را به صفوف دشمن  
نراند. از اینرو لازم است:

۱- اگر افراد ناآگاه می -  
گویند وظایف بارگانی و نهادی  
انقلاب را بر عهد میگیرند باید  
با احتیاط آنها را مطلع کرد  
از دخالت در امور این ارگانها  
باز داشت. این امر مهم اولین  
بار در ۲۳ دی ۵۹ در تهران با  
موفقیت انجام شد.

۲- در مورد آن گروهها و  
سازمانهای سیاسی که در واقع  
چاپش در کار انقلاب است  
اما بملت تحلیل قدرت و تواضع  
و یا سادگیزی به سالها اجتماع  
ملا در کار ضد انقلاب قرار  
گرفته است تنها احتیاطی که  
بصورت انقلابی می تواند کارساز  
باشد، مقامات مسئول بدون شک  
می توانند با برخورد اصولی و  
دوستانه با این گروهها، صف  
آنها را از صف ضد انقلاب جدا  
کنند و آنها را بار دیگر در  
کار خلق قرار بدهند.

بمنظر ما، برای امنیت کشور  
که هنوز در متن حاکمیت قانون  
انقلاب و ارگانهای انقلابی پس  
است. می توانیم ضد انقلاب را بدون  
پوشش و کاملاً برهان در آفتاب  
انقلاب به توده ها نشان بدهد و  
آنها رسوا کند. وقتی چنین شده  
وقتی سودمندان ضد انقلاب را در  
مقابل خود دیدند، آنگاه همان  
طور که واقع روز ۲۳ دی ۵۹  
یا مبارزای خلق مسلمان در  
تبریز نشان توان انقلاب می تواند  
به آسانی دشمن را خلع سلاح  
کند. در این صورت، یعنی وقتی  
که ضد انقلاب و لیرالها و  
مناویشتهای آمریکائی هم میدانند

### آقای بنی صدر...

بچه از منته ۱

قدرتهای غربی و تخته آنها برای کشور  
ما مطلب نوشته است که من عیناً آگرا  
برای شما می خواهم. این روزنامه  
قول یک فروشنده آمریکائی بر زبان  
نوشته است... (انقلاب اسلامی ۲۳  
بهمن ۵۹)

رئیس جمهوری که ظاهراً صاحب  
مطالعات وسیع تاریخی است و سالیان  
دراز در اروپا به تحقیق و تبیع اشتغال  
داشته و کتابهای متعددی نوشته است،  
با کمال تأسف و حیرت به یک منبع  
آمریکائی استناد می کند، آنهم منبعی  
که خود رئیس جمهور آن را وابسته به  
جناح ریگان معرفی می کند. یعنی یک  
مقام رسمی ایران در عین سالروز  
پیروزی انقلابی که علیه امپریالیسم  
آمریکا و رژیم دست نشانده اش پیروز  
آمده، به روزنامه ارگان جناح وحشی  
همان دشمنی استناد می کند که مردم  
ایران علیه آن بها خاسته اند.

از استاد رئیس جمهور همسلمان  
ارگان انصارات اسلام سازی آمریکا،  
حیرت آوری، خود نظریه است که باز  
هم در کمال تأسف و تعجب آقای بنی صدر  
نه تنها آنرا پذیرفته، بلکه در اجتماع  
عظیم مردم هم آن را تبلیغ می کند.  
نظریه شرح زیر است:  
هر انقلابی سه مرحله دارد، سه  
مرحله اساسی و متمایز از یکدیگر،  
اول آنکه پس از هر انقلابی عناصر  
ترقیخواه حکومت را بدست میگیرند  
لیکن پس از چندی متصصها آنها را  
کنار زده و قدرت را بدست می گیرند  
و در این زمان است که کشور دچار  
بهران، هرج و مرج و زور و وحشت  
میشود و بالاخره دوران هیپان و انقلاب  
هرج و مرج و فساد تظیف می یابد و  
دولت جدید زمام قدرت را در برپا  
دست خواهد گرفت و مرحله بعدی بر  
اساس این کوری دیکتاتوری خواهد  
بود... (همانجا)

حتی کسی دقت هم لازم نیست  
این نظریه پرورشی تمام، در عین تهاجم  
های خود فریاد می کند که یک تئوری  
صد درصد امپریالیستی است، که از  
زرخانه دیتاکون و همیه ضرب شده  
و از قلم یکی از هزاران فرسود متصص  
سازمان سیه بیان شده است.

این تئوری آشکارا می گوید که  
هر انقلابی (بویژه کینه هر انقلابی  
بدون استثنا) به دیکتاتوری منسجی  
خواهد شد یعنی اینکه نبرد حماسی  
خلقها علیه استبداد و دیکتاتوری -  
فایده است، و باین علت روشن فایده  
است که بعد از مدتی استبداد جدیدی  
پدید می آید و روز از نو و تیشه

اینکه: چون نتیجه هر انقلابی (فرسود  
سینه دیوار تاکید می کند هر انقلابی)  
علیه استبداد مجدداً به استبداد استبداد  
جدید منجر می شود، بهتر است خلقها  
عطای انقلاب را به قاضی ببخشند و  
انقلاب نکنند. چون اگر انقلاب هم کنند  
تنها فایده اش این است که بعد از  
هزاران کشته و مجروح، یاز هم استبداد  
جدید حاکم میشود. بنابراین خلقهای  
هم که مثل خلق ایران (که متأسفانه  
قبلاً با این تئوری آشنائی نداشتند  
و گرنه انقلاب نمی کردند و با همان  
دیکتاتوری شاه می ساختند) انقلاب  
کردند، بیرون زمینمانند و با خون  
جوانان خود خیابانها را رنگین کرده اند،  
چون یاز هم دیکتاتوری جدیدی مطابق  
تئوری - مستقر خواهد شد.

بیان این تئوری امپریالیستی، که  
هدف غیر از لوث کردن انقلاب خلقهای  
جهان، کپی در پی بندهای امپریالیسم  
را می گسندند، ننداری از فرسودهای  
دستگاه جنسی امپریالیسم آمریکا و  
روزنامه جناح ریگان نه تنها بی فایده نیست،  
بلکه ناشی از ماهیت چابکارانه است.  
چاپ این تئوری در هاله قریون  
تعمیر انگیز نیست. طبیعی است، دهها  
سال است ادامه دارد. حیرت آور طرح  
این تئوری از جانب رئیس جمهوری  
اسلامی ایران است. و حیرت آوری این  
است که آقای بنی صدر با ارائه  
باصطلاح شواهد تاریخی، یاوه های  
فرسوده آمریکائی را کاملاً تأیید و  
داتبات می کند.

«تشنجات آقای بریتون شواهد  
فراوان تاریخی دارد. انقلاب مشروطه و  
استبداد رضاشاهی انجیلید. انقلابیقت  
به ۲۸ مرداد انجیلید. انقلاب کبیر  
فرانس به استبداد ناپلئونی انجیلید  
انقلاب روسیه به استبداد استالینی  
انجیلید. همه اینها و دهها نظائر اینها  
شاهد است بر این ادعای بریتون پند  
براین ظاهراً می توان قبول کرد که یک  
امر جبری و انکارناپذیر را گفته است.  
هر انقلابی به استبداد انجیلید بنا بر این  
باید انقلاب اسلامی ما هم به استبداد  
بیانجامد» (انقلاب اسلامی ۲۳ بهمن ۵۹)  
و باین ترتیب رئیس جمهوری  
اسلامی ایران با تکمیل تئوری فرسود  
آمریکائی و ذکر شواهد تاریخی (!!)  
برای آن، بر همه انقلابهای بزرگ  
جهان که یکی - انقلاب فرانس -  
بسط قوادیم را رویداد و دیگری -  
انقلاب اکبر - تحول عظیم تاریخی به  
سود زحمتکاران را سبب شده، خطیطلان  
می کند و بملامه با اعلام جبری و  
انکارناپذیری بودن این گفته که دهنر  
انقلابی به استبداد انجیلید، حکمیهائی  
را برای همه انقلابهای جهان و از جمله  
انقلاب ایران صادر میکند.

براستی سبب شکست است که رئیس  
جمهوری اسلامی ایران در سالروز  
پیروزی خلق بر استبداد ۳۰۰۰ ساله  
شاهنشاهی، با طرح این «تئوری»  
امپریالیستی، بجای تقدیس این پیروزی  
شکرک در تثبیت آن، در واقع پیروزی  
خلق بر دشمن را بیبوده و بیس فایده  
معرفی می کند. آقای بنی صدر، به طرز  
حیرت آوری، «تئوری» امپریالیستی یاد  
شده را بر انقلاب ایران هم تطبیق میدهد  
و می گوید:

«ایران ممکن است برای این  
اندکی تاریخ شناس آمریکائی بریتون  
بنابراین که از قول آمریکائی اول  
انقلاب که پیروزی ۲۳ بهمن بوده قول  
شد. مرحله دوم انقلاب، بهرمان و هرج  
و مرج، دارد تمام میشود و باید مرحله  
سوم را، که استقرار دیکتاتوری و  
استبداد است فراهم کند»  
(انقلاب اسلامی - ۲۳ بهمن ۵۹)

و نتیجه نتیجه اینکه انقلاب ایران  
هم مانند هر انقلابی به استبداد منجر  
خواهد شد. و این استبداد بسیار مهم  
تردید است، چون مرحله اول و دوم  
آن - مطابق تئوری فرسوده آمریکائی -  
در حال پایان است و باید منتظر مرحله  
سوم باشیم، که مرحله استقرار دیکتاتوری  
و استبداد است! و باین ترتیب، انقلاب  
شکوه مند مردم ایران، که به قیمت خون  
۲۰ هزار شهید، رژیم دیکتاتوری شاه را  
سرنگون کرد، بار دیگر به استبداد  
منجر می شود! پس چه کاری بود که  
دست به انقلاب زدیم؟ مردم ایران بیکبار  
بودند که انقلاب کردند! انقلاب چه  
فایده ای غیر از این داشت که خلق را  
دیکتاتوری را بیسورچیند و دیکتاتوری  
نازما را برپا کند!

متأسفانه نتیجه ای که از سخنان  
آقای رئیس جمهوری گرفته می شود  
تنها به گذشته مربوط نیست. یعنی تنها  
بر انقلاب بیروزمند ۲۲ بهمن خططلان  
نمی کشد، بلکه بر آینده هم نظر دارد.  
امر این تئوری پذیرفته شود، اولین  
نتیجه اش آن خواهد بود که امام  
انقلاب و پیروزی قلمی بر امپریالیسم  
پس کردگی آمریکا هم تئوری ننداری  
چون بیس صورت انقلاب به استبداد  
منجر خواهد شد!

برای ما باور کردن نیست که  
رئیس جمهور اصل متحقیق ایران این  
مطالب را بدانند. بنابراین از ایشان  
مهرسبب طرح تئوری یاد شده بدون  
چه کسی است؟! واقعا آقای بنی صدر  
فکر می کند با طرح و تکمیل تئوری  
یاد شده، به استبداد ایران و کسب  
«آزادی» و جلوگیری از دیکتاتوری  
کک کرده اند!

## برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران، در جبهه متحد خلق

می آیند - مانند ۲۳ دی ۵۹ -  
قلمها به ضد فعالیت آنها را خنثی  
کرده و متخللان و توطئه گران را  
بدست قانون سپرد. قاطعیت و  
بهرورد اصولی ارگانها و نهاد -  
های انقلابی، بیسوزر سهله  
پاسداران، با توطئه روز ۲۳ دی  
۵۹، که در این زمینه کمپاینه  
پوی می تواند نمونه خوبی برای  
آینده باشد.  
در مورد ضالیت نوع دوم نیز  
بدون شک باید ارگانهای انقلابی  
با قاطعیت تمام عمل کنند. دولت  
باید با قاطعیت تمام با فزده  
قارت، جنایت، راهزنی، سرور  
افراد حامی در خیابانها و جادها  
مقابله کند و ماملان آن را به

نه، این قاطعاً...  
بچه از منته ۱  
هر خواهم عضو حزب بشوم.  
رفیق مجید چند ساعت قبل از  
انجام به جبهه، برگ تقاضای  
عضویتش را تقدیم حزب خویش  
کرد و اگر گفت:  
«ملا اگر شهید شوی اسم  
دوستهای خوب توه ایران  
لیت خواهد شد»  
رفیق مجید هنگام خداحافظی  
به خواهرش گفت:  
«خواهر جان، از رفتن من به  
جبهه نترس. خون من از  
خون هج شهیدان توست...  
اگر شهید شوی شهید مهمی هستی»  
چون در راه علیه و مرا خوشی  
شهید خواهد شد.  
روز ۱۰ بهمن ۵۹، هنگامیکه  
رفیق مجید به همراه چند همراز  
دیگر، از انومیه طرم جبهه بون  
بیکر با کس با گلوله تجاوزگران  
سداسی ازهم دریده شد. سوساوسی

حل بسیاری از مسائل روستاها در گروه تشکیل و فعالیت جدی شورای ده است. در بسیاری از روستاها، که شورا درست شده و مردمی عملی کند و از همکاری نهادهای انقلابی به خوددار است و توانسته است همه

اهالی را متحد کند و به همکاری بکشد. خیلی کارهای مثبت انجام شده است. در خیلی از روستاها هم مسائل فراوانی از تعیین دو نماینده محلی هیئت ۷ نفری گرفته تا مسائل عمرانی ده،

### اعضای شورای ده فارمد (پرمه) در خراسان سخن می گویند

در ۱۸ کیلومتری شهر مشهد، واقع در جاده سیما، روستای فارمد (پرمه) با جمعیتی بین ۶۰۰ تا ۷۰۰ خانوار قرار دارد. این روستا دارای یک دبستان ابتدایی و یک مدرسه راهنمایی است. شورای این ده با مشکلات زیادی درگیر است. عبدالله اکبرزاده، رئیس شورای ده چنین می گوید: "در مورد کارهای ده، که مسئولیتش به عهده ما است، گرفتاریهای زیادی هست که ما باهاش درگیری داریم. یکی از طرف بعضی از اشخاص که در داخل ده هستند، عده ای محدود هستند که نسبت به کارها کارشکنی می کنند، یعنی می گذارند مردم به میل خودشون کارشان را انجام دهند."

وی سپس می افزاید: "از نظر آب گرفتاری زیادی داریم. حتما نیمه کاره است و هنوز تمام نشده. وسایل بهداشت هم نداریم." عضو دیگر شورا می گوید: "ده دو حتما دارد. یکی نیمه کاره (به علت کمبودهای مالی) که حتی اهالی درسا خندان نیمه تمام آن اشغالهاشان را ریخته بودند. (یکی هم خزینه است که تمام مردم بخاطر آن، دارای امراض زیادی می شوند.)"

او می گوید: "از نظر زمین عده ای دست به دست هم داده اند، زمینها را می فروشند عده ای اقتاب نشین هستند و دستشان دراز است. همین زمینداران، بنام ممتد، زمینها را گرفته اند و می گویند ما کشت و ریزیم و زمینها را به دیگران می فروشند."

رئیس شورا در توضیح این مطلب می گوید: "مشکلات زیاد است، مقامات دولتی به وضع اینجا رسیدگی نمی کنند. ما نامه های زیادی داده ایم، ولی جز دو بندگی و امروز بیا بیایم توش نبوده. از نظر آب و هوا، ما نیاز داریم، مثلا، حواله برای هزار خانه را به ما می دهند، که بروید و سائل لازم را می دهند، وقتی که کالاهای از قسمت های مسئول می خواهم، فقط نمکش را می دهند. یک سری برای این دهه حلب (زوغن) می دهند، یک سری ده حلب. هیچ حسابی ندارد. مسئله مهم این است که ما بفهمیم این کارشکنی از کدام دستگاه است، که خواروبار را بیدار در اختیار مردم بگذارد. اگر او

## باشورای ده و وظایف آنها آشناشویم

از سوی دیگر شورای ده از حمایت و مشارکت دهقانان برخوردار می شود و با تکیه بر آنها، فعالیت خود را سازمان می دهد و یکک و همسایر آنها بر نامه های خود را انجام می رساند.

### مسئولیت شورای ده کدام است؟

مسئولیتها و اختیارات شورای ده بویژه دو عرصه اساسی را در بر می گیرد: ۱- امور مختلف تولیدی، عمرانی، فرهنگی و اداری ده، ۲- امور مختلف حفاظت و امنیت محیطزیست. رسیدگی به این امور باید طبق نظر رای اهالی ده باشد و مصالح عمومی منطقه و کشور را در نظر گیرد. شورای ده برای انجام امور ده، بر اساس تبادل نظر و شور، تصمیم می گیرد و با بهره گیری از اختیارات و امکانات فنی، مالی و اداری، که توسط ارگانهای بالاتر در اختیار شورای ده قرار داده شده است، تصمیمات خود را به اجرا می گذارد و برای این اجرا، خود دهقانان را بسیج می کند و از نیرو و همکاری و مشارکت آنها استفاده می کند.

اجرای تصمیمات اتخاذ شده و رسیدگی به امور تولیدی، عمرانی، فرهنگی و اداری ده، با کمک سازمانهای مربوطه، اعم از دولتی یا نهادهای انقلابی و خود دهقانان انجام می گیرد. از این جهت همکاری مستقیم، همه جانبه و تنگاتنگ شورای ده با کلیه نهادهای انقلابی: جهاد سازندگی، سپاه پاسداران، هیئت های هفت نفری

روستاها، پس از انقلاب، با یک نهاد انقلابی دوران ساز، شورای ده، غنی شده اند. اکنون که مسئله ساختن نظام نوین جمهوری و بازسازی همه جانبه دهات کشور مطرح است، لازمست بکاربرد یک روش تازه و به وظایف شورای ده و هدف از تشکیل آن اشاره کنیم، تا ضرورت ایجاد آن در کلیه روستاها، با شرکت همه روستائیان، معلوم گردد.

### شورای ده چیست؟

شورای ده کوچکترین جز نظام شورایی است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ضرورت وجود آن تأیید شده و به تصویب رسیده است. هدف از ایجاد شورای ده، اداره امور ده و تأمین مشارکت مستقیم خود دهقانان در آن است، بطوریکه هم در اتخاذ تصمیم و تبادل نظر سهم باشند و هم در اجرای آن. شورای ده در واقع، مطابق قانون اساسی، بخشی است از نظام حکومتی کشور. یعنی شورای ده در سطح روستا یک ارگان با وظایف دولتی است و باید اختیارات و امکانات شایسته را برای انجام وظایف خود داشته باشد.

بنابراین شورای ده، از یک سو توسط خود دهقانان مستقیماً انتخاب می شود و از سوی دیگر ارگانی با وظایف دولتی است. شورای ده از یک سو مسائل و اختیارات و بودجه لازم را از مقامات دولتی مربوطه دریافت می کند و وظایف اختیارات و مسئولیت های این ارگان طبق قانون، برای سراسر کشور تعیین می شود.

### توطئه فئودالها در «چشم کلگه» علیه شورای ده و اتحاد دهقانان

بر اثر اقدامات هیئت هفت نفری و افراد مسئول جهاد سازندگی و سپاه پاسداران، زمینهای را رودروی هم قرار دادند و خود از آب گل لودماهی بگیرند. دهات های اطراف هندجیان گرفته شده و به دهقانان واگذار کرده است. دهقانان هم برای پیشبرد کار کشاورزی و تسلیت کامل بر زمینها، اقدام به تشکیل شورای ده کرده اند. این اقدامات انقلابی باعث شده است که فئودالها بهر دامنه فعالیت خود علیه دهقانان بیا فزایند. آنها به منظور ضربه زدن به شورای دهقانان، افراد وابسته به خود را به میان دهقانان فرستاده اند. و دامنه تفرقه و تشنج را گسترش داده اند. فئودالها کربه عا بد شده اند و به دهقانان می گویند: زمینهای بی که شما غیب کرده اید را بنظر توانین اسلام حرام است و شما با بیستی زمینها را به ما پس



(امام خمینی گفتند: ما کوخ نشینان انقلاب کردیم)، بهما زمین بدهید

### در «چین سبلی» تشکیل شورای مردمی ده ضروری است

منطقه غمینی است، ولی حتی ۲۰٪ هم از زمینهای آنها گرفته نشده است و فئودالها به ایجاد رعب و وحشت و اختناق در ده پرداخته و به استخدام چندین چاقو دستموس شده اند، بطوری که بعضی از اهالی از گفتن حقایق به ما موران و نهاسای انقلابی در حضور مزدوران اربابان وحشت دارند و نمی توانند شکایت خود را به ما مورین دولت اظهار کنند. نویسنده گان نا متعاضا کرده اند که ما مورینی برای تحقیق و رسیدگی به وضع ده و کارهای شورای موجود، با حضور اهالی، اعزام شود تا واقعیت معلوم گردد. امیدواریم که روستائیان «چین سبلی» وسایل برنقاط کشور، با کمک نهادهای انقلابی، از قبیل هیئت های هفت نفری و جهاد سازندگی و سپاه پاسداران و دادگاه های انقلاب، بتوانند شورایی واقعی و مردمی خودشان را تشکیل بدهند، خودشان در تنظیم برینا مه و نظارت بر عمل آنها مشارکت مستقیم داشته باشند و شورایی ده واقعاً یک نهاد مردمی متعلق به دهقانان و مدافع انقلاب باشد.

عده ای از اهالی روستای «چین سبلی»، از توابع بخش «ق ق ق»، طی نامه ای به نهادهای انقلابی گنبدو گرگان، خواستار شورای واقعی، که نماینده مردم ده باشد و رسیدگی به سو استفاده های مالی قبلی شده اند. از مطالب نامه معلوم می شود که با بد نظارت جدی دهقانان بر کار شورای ده همیشه برقرار بود و جلودوی هرگونه کار خلاف و برداشتن پول از بیت المال و اموال مردم گرفته شود. دادن صورت حساب به مردم و گزارش کارهای انجام شده، از وظایف حتمی شورا است. از مطالب نامه می آید که با بد دقت کامل میبذول شود، تا سود شخصی اعضای شورا، با لاترا از منافع جمعی تمام دهه قرار نگیرد. با پیدا ملایک و زمینهای فئودالها به خود دست به دهقانان تهدیدست داده شود و آنچه از موسسات دولتی و بانکی و نهادهای بنام او گرفته میشود، به دهقانان بیژمین و کم زمین و تولیدکنندگان داده شود و چیزی به حساب شخصی ریخته نشود. در نامه یادآوری میشود که ملایک بعضی از فئودال های

### وامهای کشاورزی را بصورت جنسی و خدماتی بموقع و بطور جمعی، به شورای ده و به تعاونی های بسازید.



# به سلطه شرکتهای چندملیتی و وضع ناپسندانه تولید و توزیع دارو در کشور ما

در همه رشتههای صنعتی، نیازمند تامین استقلال و پیشرفت سریع هستیم. در رشته صنایع دارویی نیز فوری به چنین کاری داریم. به سلطه شرکتهای چندملیتی بر صنایع دارویی کشور باید هرچه زودتر پایان داد. صنعت داروسازی باید از دست سرمایههای غارتگر خارجی و داخلی، واردکنندگان و توزیع کنندگان بخش خصوصی نجات یابد. تولید و توزیع دولتی دارو تنها راه دسترسی به تامین نیازهای دارویی در سطح روستا و شهر است. تریب کادر داروزشکی از اهمیت ویژه برخوردار است.

ما می توانیم و باید در زمینه تولید داروهای اساسی هرچه سریعتر به خودکفایی برسیم. وابستگی به واردات دارو از خارج و سلطه سرمایههای انحصاری خارجی و داخلی بر این صنعت مهم، متناقض با هدفهای تامین استقلال اقتصادی، تامین بهداشت و سلامت جامعه است. به این وابستگی باید پایان داد.

## نقش خرابکارانه سرمایههای انحصاری و وابسته در صنایع داروئی کشور

وابستگی کشور ما به واردات دارو از خارج و سلطه انحصارات چندملیتی بر صنایع داروسازی کشور، همچنین آزمندی سرمایه داران واردکننده و توزیع کننده دارو، از عوامل مهم عقب ماندگی ما در این صنعت مهم، موجب غارت عظیم ثروت ملی و عقب ماندگی بهداشت جامعه بوده است. کافی است خاطرنشان سازیم که در سالهای تسلط رژیم طاغوت، طی همین ربع قرن اخیر، هرساله دهها میلیارد ریال ثروت و درآمد کشور مابایت واردات دارو از خارج، به گاو صندوق انحصارات امپریالیستی سرازیر می شد. مردم ایران پلرز و خستندگی از این مبر غارت می شدند و اجبار داشتند که هست و نیست خود را در ازاء دارو، هائی که به قیمت بسیار گران فروخته می شد، تسلیم انحصارات امپریالیستی داروئی و نمایندگان ایرانی آنها کنند.

انحصارات چندملیتی امپریالیستی، حتی زمانی که در داخل اقدام به سرمایه گذاری در تولید دارو شده، از نفوذ در این رشته مهم صنعتی غافل نماندند. تحت عنوان کامیس کارخانه های داروسازی، آنها عملاً مانع از رشد سرمایه های ملی در این زمینه شدند، صنعت داروئی کشور را به صنعت موتاز دارو بدل ساختند و کارخانجات

داروسازی ایران را به شباهت وابسته بخود تبدیل نمودند. نتیجه این کارشکنی ها آن شد که، اکنون در صنعت داروئی ایران، سرمایه داخلی فقط ۱۰ درصد تولید دارو را بعهده دارد و ۹۰ درصد بقیه صنایع زیر سلطه انحصارات چندملیتی است. رقم دیگری که وضع فلاکت بار سلطه سرمایه های امپریالیستی و وابسته را بر صنایع داروئی کشور نشان میدهد اینست که، پس از قریب نیم قرن از آغاز ایجاد اولین واحدهای تولیدی صنعتی داروئی در کشور ما، بیش از ۷۲ درصد مصرف دارو یا واردات از خارج تامین می گردد و مجموعه کارخانه های داخلی فقط ۲۸ درصد مصرف را تامین می کند.

سلطه انحصارات چند ملیتی و سرمایه های خصوصی وابسته به آن بر واردات و صنایع داروئی کشور در دوران سلطه طاغوت، باعث گردید که کشور ما به ویرانه داروئی جهان سرمایه داری تبدیل گردد. در بازار داروئی ایران هزارها رقم داروئی مشابه عرضه می شد، که فقط نام آنها یا یکدیگر اختلاف داشت. این امر مردردگی عجیبی در پزشکی بوجود آورده بود و علاوه بر اختلالات جدی در امر بهداشت و معالجه ایجاد می کرد، یک چنین وارداتی خود زمینه یه فسادکنشیدن

پزشکان سوچو و تبدیل آنان به میلیون مصرف داروهای انحصارات خارجی شده بود. چندملیتی ها با توسعه سلطه خود بر واردات دارو و صنایع داروئی در داخل، مانع از تولید مواد اولیه دارو در کشور بودند، از واگذاری تکنیک واقعی داروسازی به ایران خودداری می کردند، از ساخت داروهای اساسی در ایران امتناع می ورزیدند و، خلاصه کلام، صنعت داروئی ایران را بصورت صنعتی تابع منابع امپریالیستی و غارتگرانه خود درآورده بودند.

کارشکنی انحصارات چندملیتی در امر تامین داروئی کشور منحصر به دوران قبل از انقلاب نیست. پس از انقلاب، شرکتهای چندملیتی امپریالیستی از عوامل عمده محاصره داروئی کشور ما هستند. آنها و عوامل وابستگان در داخل کشور، هرچ و مرج داروئی و حتی احتکار دارو و وسیله درختارگذاشتن دولت انقلاب قرار دادند. چنانچه، انحصارات چندملیتی دول امپریالیستی، که شامل یک دوچین از صدها تن انحصارات دول غربی نظیر: پاپوآ نیو گینه، هوست، برلین، یاکستر، ارگانو، پارتودیو، مری، لدرلی، سوئران، اسکوتی، نهان شیمی، لوزیو، شیکو می گردد، از عوامل عمده تحریم داروئی ایران از جانب دول متبوع خود: آمریکا، انگلستان،

آلمان غربی، فرانسه و غیره به ایران هستند. با چنین وضعی، شاید تصور عمومی این باشد که از همان ابتدای انقلاب، تسلط انحصارات چندملیتی و سرمایه های وابسته ایرانی بر واردات دارو و صنایع داروئی کشور خاتمه داده شده است. متأسفانه چنین نیست. مسئولین وزارت بهداشتی همین هفته قبل اطلاع دادند که، اولاً تنها در خردادماه ۵۹، یعنی یکسال و نیم پس از پیروزی انقلاب، مدیریت کارخانجات چندملیتی داروئی در اختیار دولت قرار گرفته؛ و ثانیاً تا همین امروز هم از انحصارات امپریالیستی و سرمایه های خارجی و داخلی، که فاسلحه دارو را علیه انقلاب ایران یکبار می ریزند خلع ید بعمل نیامده و سرمایه های آنها ملی نشده است، در این مورد، عدم اقدام قاطع از جانب دولت را یا هیچ کلامی، جز با کارشکنی عناصر لیبرال طرفدار تسلط سرمایه خارجی و سرمایه های غارتگر بر صنایع داروئی و واردات آن نمی توان توضیح داد. شبیه نیست که در ضرورت انجام این امر مهم چسبای کمترین تردیدی نیست و خلع ید و ملی کردن صنایع داروئی کشور هرچه سریعتر باید انجام گیرد.

## ضرورت تامین استقلال و خودکفایی در صنعت داروسازی

ما در کشور خود برای حل مسئله بهداشت عمومی و توسعه آن بر سراسر روستاها و شهرها، تامین درمان همگانی و مجانی، احتیاج به تولید اوزان و فراوان دارو داریم. همچنین برای تسویل کار پزشکان و تعدادک متبوع کارخانه های پزشکی در زمینه های مختلف، محتاج پایان دادن به هرچ و مرج داروئی و یکسان کردن ترکیب و نام داروهای مشابه هستیم، که فعلاً با صدها نام مختلف عرضه می شود. علاوه بر این، احتیاج به آن داریم که در تولید دارو، به استفاده از امکانات داخلی تکیه کنیم و مواد اساسی داروئی را در کشور خود بسازیم. ایجاد صنایع داروئی پیشرفته، قائم به استفاده از امکانات داخلی و نیروی وابسته به خارج، از ضروریات زندگی امروز و فردای جامعه انقلابی ایران است. به این دلیل، سرعت و بدون کمترین درنگی باید به سر و سامان دادن به وضع صنایع داروئی کشور، رهائی آن از تسلط سرمایه های انحصاری امپریالیستی و سرمایه های آزمند داخلی بپردازیم و تولید و توزیع دارو را ملی و دولتی کنیم.

طبیعی است که تیل به این هدفها زمان

لازم دارد. اما هرکون نیز ما قادر هستیم که با تمرکز امور داروئی کشور در دست دولت ملی، تمرکز صنایع داروئی کشور در بخش دولتی، اقتصاد کمک گرفتن از کشورهای دوست و بی طرف، که نه تنها کشور ما را در محاصره داروئی قرار نداده، بلکه یکسک همجانبه های در این امر اقدام کرده اند، و اقدامات نظیر، قسمی چینی در راه تامین استقلال و خودکفائی نسبی در امر تولید و تامین دارو برداریم.

پیشنهادهای جالب مسئولین وزارت بهداشتی که بیدستی خواهان خلع ید از سرمایه های خارجی و داخلی وابسته در امر تولید و توزیع دارو هستند، ملی کردن شرکتهای داروسازی چندملیتی را ضروری می شمارند و ضرورت توزیع دارو در سراسر کشور بوسیله شرکتهای دولتی و وابسته به آن را خاطرنشان می سازند، باید مورد توجه جدی مجلس شورای اسلامی قرار گیرد و سریعاً به اجرا درآید.

همانند، در زمینه کادر پزشکی و روستاری، در زمینه کادر داروزشکی و متخصصینی که باید به کارهای علمی و عملی تولید و تحویل دارو به مردم بپردازند نیز عقب ماندگی شدیدی از رژیم طاغوت به ما جامعه ما به ارث رسیده است. با آغاز یکار و توسعه مراکز آموزشی کشور در این زمینه، باید هرچه سریعتر مقباندگی خود را از لحاظ کادرهای پزشکی و داروزشکی و نظائر آن جبران کنیم و حتی موجبات تسویق متخصصین ایرانی میان دوست را برای بازگشت به کشور فراهم آوریم.

ما در زمینه تولید دارو در داخل امکانات وسیعی داریم. علاوه بر جهان امروز امکانات زیادی برای اقدام به ایجاد صنایع مستقل داروئی، که کشور را برین نیاز سازد وجود دارد. بدون فوت وقت باید از کلیه این امکانات هرچه وسیعتر بهره برداری کنیم و مسئله مهمی نظیر تامین استقلال و خودکفائی در صنعت داروئی را بسود انقلاب و تحکیم مواضع آن حل کنیم. وابستگی به واردات داروئی از خارج، حتملاً سلطه سرمایه های غارتگر و طفیلی امپریالیستی و سرمایه های وابسته بر صنایع داروئی کشور، متناقض با هدفهای تامین استقلال اقتصادی و تامین بهداشت و سلامت جامعه است. به این وابستگی می توان و باید هرچه زودتر پایان داد.

## فدراسیون بین المللی حقوقدانان دمکرات را بشناسیم

"فدراسیون بین المللی حقوقدانان دمکرات" سازمانی است غیر دولتی، که حقوقدانان بیش از ۵۰ کشور در آن عضویت دارند. این سازمان خود عضو مشاور "شورای اقتصادی و اجتماعی" سازمان ملل متحد است.

"فدراسیون بین المللی حقوقدانان دمکرات" در پائیز ۱۳۲۹ برپایس تأسیس یافت. هدف آن عبارتست از در اختیار گذاشتن حقوق در خدمت حفظ صلح و همکاری میان خلق های جهان، پیشبرد حق استقلال طلب و پاسداری از حقوق و آزادیهای دموکراتیک. از جمله وظایف "فدراسیون" عبارتست از تشکیل کمیسیون های رسیدگی و اعزام ناظران حقوقی به دادگاه های سیاسی، عالی ترین ارگان "فدراسیون" کنگره است، که هر سه سال یکبار تشکیل می شود. این سازمان همچنین دارای کمیسیون های ویژه ای برای رسیدگی به مسائل حقوقی همزیستی مسالمت آمیز، امنیت اروپا، قوانین جزایی و مناسبات فرهنگی و غیره ریاست "فدراسیون بین المللی حقوقدانان دمکرات" را اینک جنوئودمن (فرانسه) بعهده دارد و دبیرکل آن پروفسور دکتر گرهارد اشتوی (جمهوری فدرال آلمان) است.

## امپریالیسم امریکادارنداری کارآوردن کشورهای دیگر است

مسئله "مسکن نام برد. علاوه بر این، "پوشیلو اویندو" خواستار آن است که انحصارهای امپریالیستی و بازرگانی خارجی ملی شود. برزیدنت رودریگو کاراسو، هنگامی که دیومال ونیم پیش زمام امور را به دست گرفت (وی تاؤد اختلافی مرکب از چهار حزب بورژوازی محافظه کار بود)، قول های فراوانی بهمردم داد. وی از جمله متعهد شد که با چپاول ثروت ملی کستاریکا از سوی سرمایه داران خارجی به مقابله جدی بپردازد و از این ثروت برای بهبود اقتصادی، بر عدالت اجتماعی و علیه فقر و بیکاری، بهره جوید. اما چنانکه حتی روزنامه های بورژوازی اذعان دارند، دولت رودریگو کاراسو نه تنها به این تعهدات خود عمل نکرده، بلکه به موخامات اوضاع نیز دامن زده است. به طوری که آهنگ تورم چهار برابر شده و به ۲۵ درصد رسیده است.

تضادهای اجتماعی کستاریکا هر دم عمیق تر می شود. پس از آنکه قیمت کالاها و هزینه های ضروری، از جمله نان، شکر و گوشت به ابعاد بی نظیری رسید، اوایل پاییز ۵۹، اسامیل، قیمت برقی عدرصد و قیمت آب آشامیدنی ۲۰ درصد افزایش یافت. از سوی دیگر، بیکاری همچنان وسعت می یابد و مسئله مسکن حادث تر می شود. در این میان، اعصاب کارگری و دست می یابد. در این زمینه، باید بویژه به اعصاب کارگران پلانتهای موز کسرن های آمریکایی یونایتد

کند. "مورا والورده خاطرنشان می سازد که هم اکنون ۳۰۰ تن از افراد گارد ملی دیکتاتور سوئز در کستاریکا بصر می برند. حزب پیشاهنگ خلق کستاریکا همه کمونیست ها، احزاب دمکراتیک و سازمان های توده ای را فراخوانده است که با اتحاد خود دسیسه های ارتجاع را عقب سازند و اجازه ندهند که با سرکن بحران اقتصادی کستاریکا به دوش زحمتکشان این کشور افتد. به عقیده "حزب"، "پوشیلو اویندو" ("خلق متحد")، که سه سال پیش، پس از اختلاف احزاب چپ کستاریکا، تشکیل آمد، می تواند پایه ای برای تشکیل جبهه های وسیع برای دفاع از دمکراسی و حقوق اجتماعی مردم کستاریکا باشد. پوشیلو اویندو، که، فزون بر حزب پیشاهنگ خلق کستاریکا، حزب سوسیالیست و جنبش انقلابی خلق را دربر می گیرد، از انتخابات سه سال پیش تاکنون، دارای سه نماینده در کنگره است.

"پوشیلو اویندو" هم اکنون برای انتخابات ریاست جمهوری سال آینده نامزد شرکت خود را معرفی کرده است. این نامزد رودریگو گوئیروز سائیس است، که در کستاریکا بعنوان پزشک و سیاستمدار مترقی معروف است. پوشیلو اویندو، در برنامه خود، خواهان مبارزه برای دفاع از حقوق دمکراتیک، حاکمیت ملی و منافع زحمتکشان است. از دیگر خواسته های پوشیلو اویندو، می توان از تامین حق کار، بهبود شرایط زندگی مردم و حل

کستاریکا را اغلب "باغ آمریکای مرکزی" می خوانند. چه، این کشور، از یکسو، دارای طبیعتی بس زیباست و، از سوی دیگر، تاکنون از تنوع و تعادل نسبی نیروهای کوناگون سیاسی برخوردار بوده است. اما چندی است، که موضوع این کشور، که ۵۰۷۰۰ کیلومتر مربع مساحت و ۲/۱ میلیون نفر جمعیت دارد، رو به ناآرامی می گراید. در ماه های اخیر کوشش می شود تا با کارزار تبلیغاتی ضد کمونیستی و ضد شوروی، شرایط کودتایی ارتجاعی، در کستاریکا پدید آید. هدف آنست که شباهت نسبی روند بورژوازمکراتیک برهم زده شود و با نفوذ فزاینده نیروهای چپ و سندیکاها مقابله گردد.

آخرین پلنوم کمیته مرکزی "حزب پیشاهنگ خلق کستاریکا" - حزب کمونیست این کشور - که از پنج سال پیش بار دیگر فعالیت علنی خود را سرگرفت، اوضاع کشور را ارزیابی کرد. چندی پس از آن پلنوم، مانوئل مورا والورده، دبیرکل کمیته مرکزی حزب پیشاهنگ خلق کستاریکا، در مقاله "در راه لیبرتاد"، "ارگان "حزب"، نوشت که اوضاع داخلی کستاریکا سرعت به وضاحت گزیده است. به گفته وی، نیروهای راستگرای افراطی دسیسه می چینند، تا با به روی کار آوردن رژیم ارتجاعی "نیروهای چپ را غیر قانونی اعلام کنند و سندیکاهای کارگری را منحل سازند." مقاله نامبرده می افزاید که مبارزاتی کستاریکا می خواهد، همخوان با منافع امپریالیسم آمریکا، "کشور ما را به تحت جهشی برای حمله به نیکارا گوته تبدیل



# مشکل مسکن باید به شیوه انقلابی و قاطعیت حل شود

مشکل مسکن - مشکل چندبعدی و دشوار جامعه قبل از انقلاب - بود. همساله بر پیچیدگی این مشکل می افزود. انقلاب می تواند و باید از طریق تصمیمات اساسی و برنامه های کوتاه و دراز مدت به حل این مشکل ناگل آید. بر آوردن نیازهای مردم زحمتکش روستایی و شهری به مسکن قابل سکونت و بهبود وضع شهرها، از خواست های اساسی انقلاب بشمار می رود. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران وعده برخورداری از مسکن مناسب را به مردم داده است. این وعده باید به اجرا در آید.

## مشکل مسکن - مشکل چند بعدی جامعه قبل از انقلاب است

مشکل مسکن در جامعه قبل از انقلاب ضدا میریالیستی مردمی ایران بعدهای متفاوتی پیدا کرده بود. اولین بعد این مشکل، تشدید احتیاج توده های وسیع مردم روستایی و شهری به داشتن مسکن مناسب و فزونی عدم توانایی رژیم دست نشانده پهلوی در پاسخگویی به این احتیاج بود. این مشکل به طور عمده از آن ناشی می شد که در متنفرته ضرورت داشتن مسکن مناسب و قابل سکونت، بیشتر به یک امر اجتماعی، که بایستی دولت به آن حل می پرداخت، بدل می شد، حال آن که حل این مسئله مهم اجتماعی، بیش از پیش در دست اقتدار معدود مالکین خصوصی متمرکز می گردید، که مسئله مسکن را به وسیله سودجویی و آزمندی خود در غارت و استثمار شدیدتر مردم بدل می کردند.

سال بسمال برای افکار عمومی این واقعیت روشن تر می گردید. که ابقاء میلیون ها خانوار زحمتکش روستایی و شهری در خانه های گلی و سربانه های غیر مقاوم در برابر حوادث طبیعی و فاقده ساده ترین وسایل رفاهی و بهداشتی، زیان عظیمی به جامعه ایران وارد می سازد. رژیم سرمایه داران وابسته به امپریالیسم و بزرگ مالکان غارتگر، این فقط به حل این مسئله توجهی نمی کرد، بلکه از نیاز جامعه به مسکن قابل سکونت، به وقیحانه ترین طرز بهره برداری می نمود. مسئله مسکن در رژیم گذشته به وسیله تملک غاصبانه اراضی، دلالی های سودآور، اجاره های سنگین، و خلاصه غارت دسترچ مردم زحمتکش و اقتدار متوسط جامعه بدل شده بود.

طی سال های تسلط رژیم پهلوی پدر و پسر، به ویژه در ربع قرن اخیر، سرمایه داران وابسته و بزرگ مالکان، با هجوم به تصرف غاصبانه اراضی شهری و تملک بر مستغلات، مسئله مسکن را برای جامعه ایران، بخصوص برای زحمتکشان، به فاجعه تبدیل کردند. تمرکز مالکیت بر مستغلات، همزه با افزایش سرسام آور بیهای زمین، گرانی کار ساختمان و اجاره بها، در عرض مدت کوتاهی جامعه ایران را با پیدایش آن چنان گروه های قدرتمند اقتصادی و مالی مواجه ساخت، که غارت عادی سرمایه داری به بزرگ مالکی در برابر آن ها ناچیز جلوه می کرد. به همین جهت بود که سرمایه های غارتگر امپریالیستی و داخلی برشته معاملات زمین و ساختمان در شهرها موی آوردند و سودهای بادآورده حیرت انگیز می یارند. دلاری به جیب های خود سرازیر کردند. این سودهای عظیم به حساب غارت زحمتکشان صورت می گرفت، چه از راه فروش زمین برای مسکن، چه ایجاد خانه های باز و بفروش و چه دریافت اجاره بهای سنگین.

اما غارت دسترچ مردم زحمتکش و حتی اقتدار متوسط جامعه از جانب زمین خواران و صاحبان مستغلات، که خاندان ننگین پهلوی در راس آنان قرار داشت، تنها یک جهت زیان عظیم مشکل مسکن در دوره طاغوت بود. جهت عمده دیگر این زیان آن بود که، از یک طرف مسئله خانه سازی در دهات به کلی به دست فراموشی سپرده شد، زیرا چنین کاری برای غارتگران صرف نمی کرد. از طرف

دیگر شهرهای ایران به مانعانجرت ترین شکل وسعت پیدا کرد، حیث و میل اراضی کشاورزی و از بین رفتن باغات اطراف شهرها مقیاس تخریبی عظیم به خود گرفت و امور رفاهی شهرها به کلی به دست فراموشی سپرده شد.

در جهان کم تر کشوری رامی توان یافت که در امر شهرسازی، رفاه مردم تا این حد نادیده گرفته شود. شهرنش میلیونی مانند تهران فاقد فاضلاب و آگوسازی است. نقاط مسکونی، حتی در حیطه شهر، با مسافت های کیلومتری از هم جدا بنا شده و یک "دریا" بناهای ویلایی ابعاد شهر را به چهار طرف، بدون در نظر گرفتن مشکلاتی که این امر از نظر تأمین وسایل رفاهی ایجاد می کند، سوق داده است. تنها وضع تهران بدین صورت نیست. همه شهرهای ایران در دوران طاغوت شهرهای از "قواره" دررفته اند، که هزینه های خدماتی در آن ها چندین برابر هزینه های مشابه در شهرهای نظیر در کشورهای دیگر است.

پیدایش مشکلات عظیم در مسئله مسکن، در رژیمی که توجه آن معطوف تأمین منافع مرتجع ترین اقتدار سرمایه داری وابسته و بسط بی رویه مصرف، به خاطر تشدید وابستگی به امپریالیسم، به ویژه امپریالیسم آمریکا بود، البته امری تصادفی نبود. رژیم دست نشانده سیاست پیدایش مالکیت های بزرگ سرمایه داری بر مسکن و مستغلات را تشویق می کرد. در آن رژیم، مسکن - مایحتاج اولیه مردم - به وسیله مرم - غارت ثروت کشور و دسترچ زحمتکشان بدل شده بود. شاه ملعون برای تعمیر اگری لندن قرضه دو میلیارد دلاری به انگلستان می پرداخت اما حاضر نبود برای شهر چند میلیونی تهران مجرای فاضلاب سازد.

سیاست رژیم مرکبار گذشته در مسکن، متوجه محروم نگاه داشتن میلیون ها خانوار سکنه روستایی از دسترسی به مسکن مناسب بود. آن رژیم زحمتکشان شهری را در وضعی نگاه می داشت که تا بیش از نصف دسترچ و حقوق خود را برای اجاره مسکن می پرداختند. پهلوی های زمین خوار چنان مالکیتی بر مستغلات شهری بوجود آوردند که، افراد معدودی مانند خود آن ها و افراد خانواده شان، صاحب صدها خانه مسکونی و مستغلات شهری شدند و نه سالیانه، بلکه هر ماه میلیارد ها ریال حق اجاره دریافت می کردند.

این وضع، اگر مردم را عاصی نمی ساخت تعجب داشت. مسئله مسکن ایران های آخر سلطنت شاه دست نشانده، به صورت یکی از حادث ترین و فزرنج ترین مسائل اجتماعی درآمد. عدم رضایت شدید توده های وسیع مردم در این زمینه، یکی از عوامل تدارک انقلاب ضدا میریالیستی و خلقی بود. اکنون مردم ایران به حق می خواهند که در زمینه مسکن و دیگر مشکلات مربوط به آن، قدم های اساسی برداشته شود و انقلاب خواست های آنان را در این امر مهم بر آورده سازد.

## بعدهای مختلف مسئله مسکن پس از انقلاب

با توجه به توضیحی که بهرامون ابعاد مختلف مشکل مسکن در رژیم طاغوت دادیم، بعدهای مختلف این مشکل را، که به جامعه انقلابی کنونی ماهه ارت رسید و حل آن باید در دستور کار دولت انقلاب قرار گیرد، می توان به صورت زیر به ترتیب اهمیت خلاصه کرد:

اول محرومیت توده های وسیع دهقانان از داشتن مسکن مناسب. در این زمینه رژیم مرکبار طاغوتی مشکل

سنگینی از خود به جا گذاشته، که باید هر چه زودتر به حل آن اقدام شود. درست است که یک شبه و یک ساله نمی توان دهقانان و زحمتکشان شهری را با مسکن قابل سکونت تأمین کرد و آنان را از خانه های گلی و بیقوله های کنارشهری نجات داد. این کار زمان می خواهد و محتاج به برنامه های ضربتی فوری و طویل التقد است.

خوشبختانه هم اکنون برنامه های ضربتی خانه سازی در دهات را جهاد سازندگی به اجرا گذاشته، ولی دامنه این برنامه ها، با امکاناتی که همین امروز در اختیار داریم، بسیار محدود است. خانه سازی در دهات را می توان به باید با حجم و سرمایه گذاری به مراتب وسیع تری به اجرا گذاشت. ضمناً از هم اکنون باید توجه بود که این کاری است بی وسع، که باید سالها ادامه یابد و حجم کار هر سال نسبت به سال قبل بیشتر می شود. بر این اساس، موازی با توسعه کارهای جاری در امر خانه سازی در دهات، باید به تنظیم برنامه های دراز مدت برای این کار حیاتی پرداخت. باید در نظر داشت که رفته رفته کارخانه سازی در دهات برپایه صنعت ساختن می تواند جنبه های استوار شود، که بتواند جوابگوی حل این مسئله در مقیاس تمام دهات کشور باشد.

دوم پرداختن به وضع توده های زحمتکش فاقد مسکن در شهرها. این مسئله حیاتی با سرنوشت صدها هزار خانوار زحمتکش، سربست های آن ها که از صبح تا شام در کارخانه های و موسسات تولیدی و خدماتی کار می کنند، ارتباط دارد. باید توجه داشت که در حل مشکل مسکن در شهرها، در درجه اول باید تأمین کارگران شاغل در تولید و خدمات مورد توجه قرار گیرد. اولویت تأمین مسکن باید برای بازوهای کاری باشد که چرخ تولیدی تملک را می گردانند. نه افراد بیکارهای که گاه آمادگی تن دادن به کار را نیز از دست داده اند و زندگی انگی ندارند. از جمله باید خانه های مناسره شده را قبل از همه به کارگرتی داد که سالها سابقه کار دارند، ولی هنوز بدون خانه اند.

به اقتضای فقهی فقرزده شهرها، که اصطلاحاً "به آن ها" "لومین" می گویند، البته باید کمک کنیم. آنها را باید معالجه کنیم و از نکتی که رژیم مرکبار گذشته برای آن ها بوجود آورده، نجات شان دهیم. اما اگر بخواهیم مشکل مسکن در شهرها را محدود به تأمین مسکن برای این اقتدار بدانیم، جدا اشتباه کرده ایم. مشکل مسکن در شهرها در درجه اول مشکل محرومیت صدها هزار کارگر زحمتکش و عائله آن ها از داشتن مسکن مناسب و پرداخت اجاره های سنگین است، که گاه تا دوسوم دسترچ و حقوق آنان را شامل می شود. انتقال در درجه اول باید به حل این مشکل پرداخت و در آن مکانات قابل ملاحظه ای هم برای حل فوری آن وجود دارد، به کار بستن مثلا هم اکنون دهها هزار خانه های نیمه تمام، که به صورت شرکت ها و چه به صورت بناهای تک واحدی، در تهران و شهرهای بزرگ وجود دارد، که پس از پیروزی انقلاب کار ساختمان در آن ها متوقف شده و یا به حد توقف پایین آمده است. می توان با تعیین تکلیف مالکیت این خانه ها و اتخاذ تصمیم در این باره، که مالکیت مسکن باید محدود گردد و از حد معتدلی تجاوز نکند، در مدت کوتاهی صدها هزار خانوار زحمتکشان شهری را صاحب خانه مسکونی کرد. انقلاب باید هر چه سریع تر شرمه مادی خود را تقبل نماید زحمتکش عرضه دارد.

تقبل تأمین زحمتکشان با مسکن مناسب از راه مالکیت عمومی بر مجتمع های مسکونی، طبق قانون

اساسی جمهوری اسلامی از وظایف دولت انقلاب است. مدتهای قتلوزارت کار تأسیس واحدهای مسکونی تعاونی را به کارگران وعده داد. اجرای هر چه سریع تر این وعده ضروری است. اما تأمین مسکن زحمتکشان شهری کاری نیست که در توانایی سرمایه های تعاونی و اصولاً واگذاری زمین به خود زحمتکشان باشد.

صرفه جویی کارگران و خانواده های آنان در حدی نیست که حتی با دریافت مجانی زمین بتوانند صاحب مسکن شوند. کارگران به درستی ترجیح می دهند که خانه های مسکونی با مالکیت های عمومی، به شرط اجاره ای که بیش از دهم درصد دسترچ آنان نباشد، به آن ها واگذار کرد. این بدان معنی است که مشکل مسکن در شهرها به طور اساسی می تواند و باید به وسیله خود دولت با اقدام به سرمایه گذاری های عظیم در این کار صورت گیرد، و به اقدامات دیگر باید به عنوان اقدامات کمکی پرداخته شود. سوم پرداختن به مشکل مسکن

اقتدار وسیع اجاره نشینان. قشر عظیم اجاره نشینان را افرادی از طبقات زحمتکش جامعه تشکیل می دهند که یا کارگرند و کارمند و یا گروه هایی از روشنگران و دیگر اقتدار متوسط جامعه شهری. واقعیت این است که، همه اجاره نشینان، گذشته از مشکلات متعددی که با صاحبان مستغلات و واحدهای مسکونی دارند، مشکل عمده و غیر قابل حل آن ها پرداخت اجاره بهای سنگین و کمر شکن است. مبلغ اجاره بهای اماکن مسکونی تا ۵۰ درصد و گاه بیشتر درآمد خانوارهای اجاره نشین را می بلعد.

تعدیل مال الاجاره تا میزان ۱۵ الی ۱۸ درصد درآمد خانوارهای اجاره نشین، از مسائل جدی انقلاب است. با هیچ دلیلی نمی توان ادامه وضع کنونی را، که خانواده های زحمتکش کارگر و کارمند مجبورند بیش از نیمی از درآمد دسترچ و حقوق خود را بابت اجاره بها بپردازند، تیرته کرد. به دوران باج و خراجی که صاحبان عمده مستغلات و اماکن مسکونی شهری از سکنه شهرها می گیرند و همساله صدها میلیارد ریال درآمد عمومی را تصرف میکنند، باید پایان داد. باید دانست که درآمد های میلیاردی صاحبان عمده مستغلات و اماکن مسکونی، یکی از علل فساد طبقاتی در جامعه ای است که به تعدیل ثروتها نیاز دارد.

جالب این که صاحبان عمده مستغلات، با این که اجاره های سنگینی از اجاره نشینان می گیرند، به پرداخت مالیات عادلانه به دولت نیز تن نمی دهند. در شهرهای ما، که افرادی ماهیانه میلیون ها تومان و بیشتر از خود دولت اجاره دریافت می دارند، دیگر سخن گفتن از مال الاجاره های سنگینی که از اجاره نشینان می گیرند، زائد است.

مالکیت های عمده بر مستغلات شهری و اماکن مسکونی، فساد عظیمی را بر جامعه مسئولی ساخته است. نمونه ای از این فساد وجود معاملات ملکی ها و دفاتر اسناد رسمی مشاهده می شود. شماره دفاتر معاملات ملکی ها در تهران، که هنوز هم با نام های خارجی "سان هاوس"، "رادهاوس" و صدها نظیر آن به فعالیت خود ادامه می دهند و هر یک دفاتر میله وسیعی با چندین طغن و کارمند در اختیار دارند، در چندین برابر شمار مانوایی های شهرها است! جالب این که این ها هنوز هم "خارجی" را در اجاره خانه و بیجاری می شمارند. گویی از نظر آن ها انقلابی صورت گرفته است. این خدمه عظیم، که هزینه ماهیانه دفاتر و حقوق آنان بر

به دهها میلیون تومان می رسد، خدمتگزاران صاحبان عمده مستغلات و اماکن مسکونی هستند. معاملات ملکی ها در بالا بردن اجاره بها، نه سال بسمال، بلکه ماه بسمال، هفته دارند. با هیچ دلیلی نمی توان این غارت آشکار را تیرته کرد که دلال های معاملات ملکی ها، با اجاره هر آپارتمان، حداقل، اجاره بهای ماهیانه آن را به عنوان دسترچ خود طلب می کنند. چنین نظامی در امر مسکن در جمهوری اسلامی نمی تواند پایدار بماند و باید به عمران خاتمه داده شود.

چهارم بالاخره مسئله مهمی که در ارتباط با مسئله مسکن و مستغلات، حل آن برای دولت انقلاب ضرورت دارد، رسیدگی فوری به وضع شهرهای ایران است. برای شهرهای ایران وضع بسیار ناگوار، چه از لحاظ معیاری، چه ساختمان های شهری، چه خدمات عمومی، به جمهوری اسلامی ما رسیده است. مالکیت های عمده بر واحدهای مسکونی و مستغلات و این که سرمایه خصوصی موضع اصلی و عمدتاً در امر مهمی مانند مسکن غصب کرده، باعث شده است که شهرهای ایران، به معنی واقعی کلمه، از قواره بیفتد، از نظر خدمات عمومی و رفاهی در سطح نازل از رشد درجا بزند، و از مشکل ترافیک و آلودگی فضای شهر گرفته، تا مشکل نبودن مجرای فاضلاب و اماکن اجتماعی مورد نیاز، مانند مدرسه و کتابخانه و حتی زیادمت رو و پارک و فضای سبز، هزاران مشکل داشته باشد. این مشکلات حل نشدنی نیست، مگر آن که دست سرمایه های عمده خصوصی از امر مهمی مانند مسکن و مستغلات کوتاه گردد.

مالکیت و نظارت اجتماعی بر مسئله مسکن نیاز انقلاب است و مسئولیت های عمده و اساسی در کارهای مهم شهرهای امروز، که مراکز اجتماع میلیون ها نفر است، باید به عهده دولت باشد. بر پایه خصوصی امکان حل مسائل و صلاحیت دولت امر مهم تصمیم گیری نشود، نمی توان هیچ مدتی مهمی در حل معضلات شهرهای ایران، چه از لحاظ تأمین خدمات عمومی و چه تأمین نیازمندی های ضروری روز و اجرای برنامه های دراز مدت، برداشت.

## نتیجه

مجلس شورای اسلامی ایران و دولت انقلاب باید درباره امر مسکن، چه در مسائلی که مربوط به ساختمان خانه برای ساکنان روستاها و تأمین زحمتکشان شهری با مسکن است، چه برای تعدیل اجاره بها و چه تعیین حدود مالکیت بر واحدهای مسکونی و مستغلات و اراضی شهری، قدم اساسی بردارد. اختصاص بودجه های مناسب دولتی به امر ساختمان مسکن و ایجاد صنایع ساختمانی، تحدید مالکیت بر مستغلات و مسکن و تعدیل اجاره بها، اقدام فوری به تکمیل ساختمان های نیمه تمام، تمرکز کار مسکن در سازمان های دولتی، از میان برداشتن دلالت بازی و بورس زمین و معاملات مسکن، تعیین تکلیف عادلانه اراضی موات شهری، تشویق تعاونی های ساختمان مسکن، این ها و یک ردیف اقدامات دیگر کارهایی هستند که همین امروز می توان و باید به آن ها پرداخت، تا بخشی از مشکلات موجود در امر مسکن حل شود. هنگامی که مجلس شورای اسلامی ایران و دولت انقلاب در این زمینه ها به بصورتی و قاطعیت عمل کنند، مسلماً اعتقاد عمومی بر آن قرار خواهد گرفت که انقلاب در دراز مدت نیز توانایی حل مشکل مسکن را خواهد داشت. به نوبه خود این اعتقاد اعتقاد به این که انقلاب به سود زحمتکشان و عامه ای و اساسی برمی دارد - همان چیزی است که انقلاب در مرحله کنونی رشد خود بدان نیازمند است و به انکار آن می تواند توطئه هایی جنایت سارتر از آن چه را که ضد انقلاب داخلی و امپریالیسم آمریکا تا بحال علیه جمهوری اسلامی ایران مرتکب شده اند خنثی کند.

### جلوگیری از صدور ارز و رسیدگی به وضع کارگران شرکت های صادرات پسته از وظایف دولت انقلاب است

پسته یکی از اقلام عمده صادرات کشور است و از لحاظ اهمیت در مقام سوم جای دارد.

بیشتر صادرات پسته ایران از باغات شهرستان رفسنجان به دست می آید.

شش شرکت، صادرات پسته را در دست دارند، که تنها یکی از آنها تعاونی است و بقیه متعلق به بزرگان مالکان و باغداران عمده است.

پسته جمع آوری شده از هکتارها باغ بزرگ مالکان و نیز محصولات خریداری شده از خرده مالکان را در بازارهای داخل و خارج کشور بفروشی می رسانند.

تأخیر از اخذ لانه جاسوسی و تحریم اقتصادی ایران، آمریکا عمده ترین خریدار پسته ایران بود.

شرکت های مزبور علاوه بر فروش داخلی، توسط عواملی که در خارج دارند، پسته را صادر می کردند و از این طریق سود زیادی بدست می آوردند.

برای نمونه این شرکتها در سه سال گذشته یعنی سالهای ۵۶، ۵۷، ۵۸، به ترتیب مقدار ۸۹۴۳۹۱۲، ۱۱۵۱۶۵۰۹ و ۶۹۵۵۶۶۴ کیلوگرم پسته صادر کرده اند.

از این عمل جلوگیری شد. با اینکه سود هنگفتی نصیب شرکتها و سرمایه داران عمده می شود، اما کارگران این شرکتها، بعزت فصولی بودن کار و مزد کم و نداشتن بیمه، شدیداً استثمار می شوند.

برای آشنائی با وضع کارگران این شرکتها با دو نفر از کارگران صحبت می کنیم. یکی از آنها خود را محمد علی عمرانی معرفی می کند و می گوید:

"در این شرکت حدود ۱۵۰ نفر زن و ۱۴ نفر مرد کار می کنند و هیچ کدام بیمه نیستند. روزانه ۸ ساعت کاری کنیم و فقط روزهایی که کاری کنیم، پول می گیریم. از این روزها جمعاً هم کار کنیم. من ۸ سال است که در این جا کار می کنم و زن و سه نوجو دارم ۲۵ تومان مزد می گیرم، که کفاف هزینه زندگی را در این جا نکند."

کارگر دیگری بنام آقا عباس ذاکری می گوید:

"من هم ۸ سال است که در اینجا کار می کنم. بیشتر کارگران بعزت فصلی بودن کار، هرگاه کار شرکت تمام شود بیکاری می شوند و بقیه سزاوار کار گیر نمی آید. مجبوریم از جیب بیوریم. او که روزی ۹۰۰ ریال مزد می گیرد و بیمه نیست، می گوید:

"روزها از بس گونی های پستراچابه جا می کنم، شبها از درد کمر خواب ندارم."

کارگران زن صحبت می کنیم. حدود ۹-۸ نفر آنها روز مزد هستند و روزانه ۳۰۰ ریال مزد می گیرند و بقیه درازای جدا کردن و خندان کردن هرگز کیلوپسته بین ۳۰۰ تا ۶۰۰ ریال مزد می گیرند. بین آنها دخترهای کمتراز ۱۶ سال هم فراوان است، که برای کمک به خانواده مجبورند کار کنند. این نمونه های دولت است که از شرکت های صادرات پسته، از کارگران چشم امید خود را به دولت انقلاب دوخته اند، اما جلوی استثمار شدید سرمایه داران را بگیرد و روابط کار را بهبود بخشد. به علاوه باید از خارج شدن ارز توسط این شرکتها جلوگیری شود و این امر سرانجام مگر از طریق ملی کردن بازرگانی خارجی.

### با یوسمیت شناختن انجمن های صنفی کارگری:

## ضدانقلاب را از کارخانه برانیم

که دست اندرکار ساختمان قسمت جدیدی از کارخانه سیمان صوفیان تبریز است، به اخراج تهدید شد و سوزده تن هم اخراج شدند. البته آنان کار خود را ترک نکردند و در حالی که از پشتیبانی سایر کارگران برخوردار بودند، علیه مدیران شرکت شکایت کردند.

در ضمن پیش از آن حقوق سه ماه کارگران به تعویق افتاده بود و معارف اخراج این سوزده تن، حقوق یک ماه کارگران پرداخت شد. همزمان با بالا گرفتن شکایت دسته جمعی کارگران، حقوق یک ماه دیگر نیز به آنان پرداخت شد. جالب اینجاست که بهانه عدم پرداخت دستمزد کارگران این است که کارخانه سیمان به شرکت پول نمی دهد! البته عناصر ضدانقلابی نیز در میان کارگران دست به تبلیغات زدند. این عناصر که بویژه و بطور عمده مائوئیستها بودند، کارگران را تشویق کردند تا در سطح شهر راه پیمایی کنند. اگر هشاری کارگران در کار نبود، این جو برانگیزنده می توانست خطرات جدی داشته باشد.

نکته همین جاست که همیشه خود کارگران، با تحمل مشکلات و با مبارزه پیگیر، راه را بر سو استفاده ضدانقلاب بسته اند.

معاون مدیر عامل پالایشگاه تبریز اخیراً، بدون مشورت با شورای پالایش، اطلاعاتی صادر کرد که مطابق آن به هریک از کارکنان پالایشگاه یک بشکه نفت در مقابل پرداخت فقط صدویستجاه تومان، داده خواهد شد. در این جا شورای کارکنان این "امتیاز ویژه" را رد کرد. از نظر شورا، در شرایطی که اکثریت مردم با کمبود مواد سوختی مواجهند، این کار عادلانه نیست. هر چند که دادن این میزان سوخت به خانواده کارکنان همه ساله صورت می گرفته، ولی در شرایط کنونی وضع به گونه دیگری است.

بهر حال این تصمیم اقداماتی نظیر آن، آگاهانه یا ناآگاهانه و از روی حسن نیت، عوارض نامطلوب زیر را بوجود می آورد:

الف - ایجاد اختلاف و دودستگی بین کارکنان واحدها،  
ب - دادن یک امتیاز ویژه به کارکنان یک واحد در مقابل منطقه و ایجاد داغداشتن در واحدهای مشابه مناطق دیگر،  
ج - جدا کردن کارکنان این واحدها از سایر مردم شهر.

می بینیم که زحمتکشان واحدهای تولیدی چشم بردار انقلاب و باور همیشگی آن هستند. این تجارب باید عبرت موز همه مسئولین انقلابی باشد، تا در رفح دشواریها خود را تنها ندانند و کار را دشوارتر از آنچه است، نیابند. واقعیت این است که کارگران قهرمان میهن ما - بمشابه پیگیرترین نیروی ضد استکبار و ضد ظلم و ستم طاغوتیان - همواره، بی کمترین چشم داشت، در لحظه حساس میمیدان آمده اند و تا آخر کار مانده اند. این نیروی شکست ناپذیر را باید به حساب آورد و بسود آرمان های مردمی انقلاب بکار گرفت.

خشتی کردن توطئه ضدانقلابی و جبران اشتباهات و برطرف کردن دشواریهای واحدهای تولیدی، پیش از همه از عهده کارگران ساخته است. خواه مدیران طاغوتی و لیبرال، خواه عناصر بی لیاقت و اشتباهکار و تاراج تراش، خواه ضدانقلابی که در لباس چپنمایی سعی در ایجاد تشنج دارد، همه را می توان با تشکیل هیات کارگری منفرجه کرد. تجربه دو ساله اخیر - بویژه راهی جز این به ما نشان نمی دهد.

صنفی کارگری از سوی دیگر، حلقه پیوند محکمی را بوجود خواهد آورد، که ضدانقلاب برای درهم شکستن آن را نخواهد داشت.

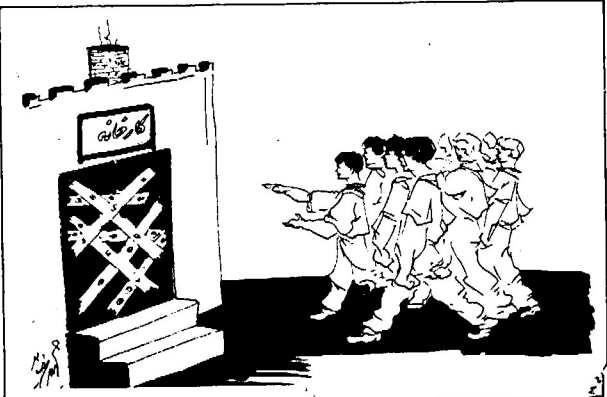
پس با شناختن هدف اصلی ضدانقلاب، باید همه کوششها را در راستای خنثی کردن آن بکار گرفت. وزیر صنایع و معادن در سمینار بررسی مشکلات مدیران صنایع، که اخیراً برگزار شد، در مورد پرداخت حقوق و وام به واحدهایی که تولید ندارند، سخن گفت و از جمله نتیجه گیری کرد که:

"اگر واحدی تولید نکند، باید تعطیل شود. (کپهان-۲۵ دی ۵۹) این گفته آقای وزیر صنایع و معادن نمی تواند با تأیید کارکنان زحمتکش و انقلابی واحدهای مورد بحث همراه باشد، زیرا معنای آن این است که کارگران واحدها بیکار شوند و یک امکان تولیدی بگلی از گردونه خارج شود. می دانیم که هر واحد تولیدی امکان معینی برای تولید و رفع نیازهای خاصی از جامعه دارد و بنابراین، بویژه در شرایط کنونی، این امکانات نخست باید پاسداری و تحکیم کرد، آنگاه درصد گسترش آنها برآمد.

فعالیت تخریبی ضدانقلاب در کارخانهها همچنان بویژه هم اکنون، در جریان توطئه هفتم امیرالیم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، خطری جدی است.

ضدانقلاب بطور عمده در واحد های تولیدی زیر پوشش های گوناگونی عمل می کند: در مقام کارفرمایان طاغوتی و مدیران لیبرال، در میان کارگران و کارکنان زیر ماسک چپ نامی و با سبای حق بجانب و شکل های گوناگون دیگر. اما در میان این ظاهر متنوع، آنچه که ماهیت فعالیت ضدانقلاب را نشان می دهد، همانا عمل واحد آن، منتهی همراهمانوعی تقسیم کار است.

هدف این است که ظرفیت تولیدی میهن انقلابی را نابود کنند. یعنی کارخانهها را به تعطیل کشاند و طبقه کارگر را از "خانه" خوبی بیخارجان برانند و در برابر انقلاب قرار دهند. اما این کار مستلزم انواع زمین سازیهاست. از بین بردن وسایل و فروش دستگاهها و لوازم، اخلاص کارکنان، تهیه مواد مصرفی کارگاهها، یکی از شیوه های شناخته شده فعالیت ضدانقلاب است. در این زمینه محاکمه



ضدانقلاب می خواهد کارخانهها را به تعطیل بکشاند. مائوگراں جلوی این عمل ضدانقلاب را قاطعانه خواهیم گرفت

داشتن تولید می تواند ناشی از عوامل گوناگونی باشد که باید در مقام چارچوبی و دفع آن برآمد. نه اینکه با مشاهده یک تاراجی در یک زمینه معین، از امکانات واقعی تولیدی چشم پوشید. واحدهایی که تولید ندارند باید با نظارت نهادهای مسئول، بویژه وزارت صنایع و معادن، بکار افتند. نداشتن تولید، اگر ناشی از ضعف یا سوء مدیریت است، باید کارآیی لازم را در اداره کارگاه فراهم آورد. اگر کمبود مواد و وسایل است، باید آنرا تدارک دید. اگر ناشی از فعالیت عناصر ضدانقلاب است، باید آنان را طرد کرد. و در همه حال باید از خود کارگران و نمایندگان آنان درسندیکا و شورایی کارگاه کمک گرفت. تجربه های پس از انقلاب گویای این واقعیت است که سازمان دادن تولید و برطرف کردن موانع از عهده خود کارگران بر می آید، به شرطی که به حمایت مسئولین امر پشتگرم باشند.

اما شیوه دیگر کارشناسی عبارت است از تشدید نارضایتی کارگران این کار به اشکال گوناگون از جمله با اخراج کارگران، عدم پرداخت به موقع دستمزد آنان، یا اقدامات خاصی در جهت ایجاد دودستگی میان کارگران، عملی می شود.

نمونه های متعددی از این "شگردها" را پیش از این دیده ایم و در جراید فراوان خوانده ایم. با این همه هنوز با آن رو در روییم. تجربه دو ساله اخیر - چندی پیش گروهی از کارگران (در حدود ۸۵ نفر) شرکت ساختمانی لوژان،

شش تن از کارکنان سابق کارخانه های ایران تاسیسات - که از روز ۱۲ دی ماه ۵۹، در دادگاه انقلاب اسلامی مرکز آغاز شد - گویای است.

این شش تن، که به اتهام زمین چینی برای فروش لوازم و اجناس دولتی موجود در کارخانه به قمتی چندین برابر کمتر از قیمت واقعی آن محاکمه می شدند، ست های مدیریت فروش کارخانه، عضویت هیات مدیره شرکت تهیه و توزیع لوازم بدکی، مدیر انبار این شرکت و... را درآوردند. در این مورد یکی از اعضا هیات مدیره ایران تاسیسات در دادگاه گفت: "چنانچه لوازم مذکور از کارخانه خارج می گردید، تهیه این لوازم برای شرکت بزودی امکان پذیر نبود و مسلماً مدتی بطول می انجامید. لوازم مذکور تمامی موجودی انبار بوده است و بالطبع نبودن این لوازم در شرکت اثر نامطلوبی در وضع درخواست نمایندگان و مصرف کنندگان می گذاشت."

به وضوح می توان عواقب توطئه فوق را پیش بینی کرد. و این فقط یک "ششم" از شعبده بازی مناصری است که می کشند تا هراچی می توانند انقلاب را تضعیف کنند، و البته چه جایی مهم تر و بهتر از کارخانهها، که شرابان حیاتی کشور هستند.

چگونه می توان چنین توطئههایی را خنثی کرد؟ در یک کلام باید گفت که بهمت خود کارگران و البته از طریق انجمن های صنفی کارگری. (سندیکاها و شوراهای) هشاری کارگران انقلابی از یک سو و اعتماد مسئولین به انجمن های

## دولت باید در مبارزه با ضدانقلاب بر خوردهای جدی داشته باشد

چهار ماه است که کارگران شرکت های خصوصی نقاط جنگنده حقوق دریافت نگردانند

از زمان حمله تاجا و زکارانه رژیم جنایتکار رضا میه خاک میهن ما، پیش از چهار ماه می گذرد در این مدت عده ای از هم میهنان ما به خصوص آنها ای که در دوشهر آبادان و خونین شهر سکونت داشتند، تمام هستی خود را از دست داده و اجباراً آواره شهرهای دیگر شده اند. در این میان، زحمتکشان، به خصوص کارگران ساکن این شهرها، که از هستی ساقط شده اند، تنها محل امرار معاش خود را از دست داده اند و چون پس اندازی هم ندارند، بنابراین به ناچار شب محتاجی برخی از شرکت های خصوصی واقع در شهرهای خونین شهر و آبادان و روستاها می بینیم، از زمان شروع جنگ ملی امیرالیم آمریکا به میهن ما تاکنون، حقوق کارگران را پرداخت نگردانند. از جمله میتوان از شرکت های خدمات دریایی خلیج، شرکت ساختمانی پیش ساخت، شرکت کامیونهای پرتوس نام برد. یکی از کارگران شرکت خدمات دریایی خلیج می گوید: "حاصل چندین سال کارم در این جنگ خانما سوزا زمین

رفت حتی یک گلیم زیر پایا بر ما باقی نمانده است تا با فروش آن چند روزی را امرار معاش کنیم. ادا درها که ما اکنون به وضع ما رسیدگی نگردانند."

در این وضع بحرانی ضدانقلاب هم بیکار رنشته و به پراکندن تخم بدبینی در بین کارگران و ایجاد تشنج و درگیری در نقاط جنگی مشغول است. از جمله میتوان از فعالیست هواداران گروهک ما شوشیستی آمریکا، "پیگار" و "آمبره" این افراد را نام کارگران بیکار را علیه انقلاب تحریک می کنند و تشنج می آفرینند.

مسئولین امر باید به وضع کارگران بیکار - به خصوص کارگران نقاش جنگ زده - هر چه زودتر رسیدگی کنند. اگر شرکت مربوطه قادر به پرداخت حقوق عقب افتاده کارگران نیست، دولت خود شعله باید مسئولیت ایتکار را بر عهده گیرد. همچنین دولت باید با پیدا گروهک های ضدانقلابی برخوردی جدی داشته باشد و فعالیست ضدانقلابی آنها را خنثی کند.

طبقه کارگران ایران در آرایش تولید، از زمین خسارات جنگ و دفاع در جبهه پیش قدم است!



### سازمان حزب توده ایران در سفر: هیچ مانعی نمیتواند سد راه توده‌های ما در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران باشد

پدنیال پاکسازی در اداره تأمین اجتماعی شهرستان سقز و قسطنیه یکی از هواداران حزب توده ایران به «آبام سمناسی» و «آبام سمناسی» و تمیید او به مدت سه سال به منطقه خراسان، سازمان حزب توده ایران در شهرستان سقز، نامهای به فرماندهی سپاه پاسداران نوشت. در این نامه از جمله آمده است:

«جای تأسف بسیار است که این چنین راحت و بدون احساس مسئولیت، پیگیری قرین: یاران انقلاب را مورد بی‌مهری و عتاب قرار دهند این درست است که هیچ مانعی نمیتواند سد راه توده‌های ما در دفاع از جمهوری نوپسند اسلامی ایران باشد و این درست است که در شی انقلابی ما نه با برکناری از شغل و نه تمیید و انتقال که سهل است، بلکه با اعدام و زندان نیز کوچکترین خللی پدید نخواهد شد ولی وظیفه انقلاب است که دوستان و دشمنان دوستان را شناسد ما دشمن محکوم بودیم صدور چنین رای غیرعادلانه غیر مسئولانه، انتظار داریم که سپاه نقش خود را در چنین مسائلی به‌وضوح ایفا کند و اعلام می‌داریم که چنین فشارها و تضيقاتی نمی‌تواند و نخواهد توانست بر مشی اصولی توده‌ها اثر بگذارد»

### توطئه مائوئیست‌ها در مدارس سراوان

گروهکهای مائوئیستی - آمریکائی مبارک و «رزمندگان» به دنبال اجرای توطئه‌های مخرب خود به بهانه قراردادن مسئله دوسره کردن مدارس سراوان دست به ایجاد تشنج و تفریق در مدارس زدند

در جریان این توطئه، متأسفانه یکی از سازمانهایی که باید در کنار خلق باشد نیز در کنار آنها قرار گرفت و دانش‌آموزان هوادار آن یا ترسیدند به کلاسها، یا دشمنان انقلاب محسوس شدند این اقدامات قسمت دیگری از فعالیت گسترده عوامل امپریالیسم آمریکا برای به‌تنج کشاندن منطقه سیستان و بلوچستان و اجرای طرح تفریق است. اعضاء گروهکهای مائوئیستی-امریکائی، لیرالها و ضدانقلابیون در منطقه مأمور اجرای این طرح شده‌اند و از همکاری کار خود را آغاز کرده‌اند

ما ضمن دادن حشمت‌ها به مسئولان از آنها سراسیمه‌طلبیم که هر چه زودتر با جلوگیری از این اقدامات مخرب از تشکیل کانون تشنج دیگری در کشور جلوگیری بعمل آورند و این توطئه را در نطفه خفه سازند.

## گوشه‌ای دیگر از توطئه سراسری ضد انقلاب در دو مین سالگرد پیروزی انقلاب

ضد انقلاب در تبریز و شبستریست به تقریب کتابفروشی، کیوسک و نمایشگاه زد.

اخبار رسیده از شهرستانهای تبریز و شبستریست حاکیست که عوامل ضدانقلاب، که برای ۲۲ بهمن، سالروز انقلاب، توطئه وسیعی را در سراسر کشور تدارک دیده بودند، به یک کتابفروشی، نمایشگاه و یک کیوسک فروش نامه مردم حمله و آنها را ویران کردند.

### تبریز: حمله به کتابفروشی

معدای از عوامل ضدانقلاب، ساعت ۱۰ صبح روز ۲۲ بهمن، به محل کتابفروشی جلد و عاوغلی، که در آن نشریات حزب توده ایران به فروش می‌رسید، حمله کردند. این اوباشان تعداد زیادی کتاب، پوستر، عکس شهیدا و حتی عکس رهبر انقلاب را پاره کردند و تعداد زیادی از کتابها و پوسترها را نیز با خود بردند. این ضد انقلابیون، که مسلح به چاقوی ضامن‌دار بودند، در جواب اعتراض مسئول کتابفروشی، گفتند:

«ما از هیچ مقامی دستور نمی‌گیریم و هر چه دلمان بخواهد می‌کنیم». این عده سپس با چاقو مسئول کتابفروشی را تهدید به مرگ کردند، که از اعتراض دست بردارند. لازم به تذکر است که روز ۸ بهمن ۵۹ نیز همین افراد دست به حمله مشابهی زدند، که خوشبختانه با دخالت یکی از افراد سپاه پاسداران، در انجام عمل خود موفق نشدند.

### شبستری: حمله به نمایشگاه و کیوسک

عوامل ضدانقلاب در شبستری نیز در دو مین سالگرد انقلاب دست به اعمال خرابکارانه زدند. این افراد به نمایشگاهی که به مناسبت روز تاریخی ۲۲ بهمن برگزار شده بود، حمله کردند و آن را از بین بردند. همچنین به کیوسک آمیبه که به فروش نامه مردم پرداخت، حمله کردند و آن را به آتش کشیدند. سازمان حزب توده ایران در شبستری در این باره اعلامیه‌ای انتشار داد. در این اعلامیه از جمله آمده است:

«در شرایطی که خلقهای ایران برای سرکوبی تجاوزات صدام و توطئه‌های رنگارنگ امپریالیسم آمریکا، به اتحاد هر چه بیشتر نیاز دارند و کارزار وسیع تبلیغاتی علیه انقلاب و امام خمینی و علیه نهادهای انقلابی، از طرف بلندگوهای امپریالیستی، ضدانقلاب و نیز لیرالهای سازشکار و مائوئیستهای آمریکائی ایجاد شده است، این گونه اعمال به نفع چه کسانی است و برای چه کسانی خوراک تبلیغاتی فراهم می‌کنند»

در قسمت دیگری از این اعلامیه آمده است: «این اعمال در شرایطی انجام می‌گیرد که ضدانقلاب در جهت اجرای توطئه‌های پرژنیسکی علیه انقلاب و در جهت به‌آشوب‌کشاندن کشور، سعی فراوان دارد و در شرایطی که امام خمینی به‌حق اعلام می‌دارند که امروز آنچه برای ما از همه چیز لازم‌تر است، آرامش است، به‌توقع می‌روند»

## هواداران حزب دمکرات کردستان (پیرو کنگره چهارم): حل مسئله کردستان بر اساس پیام امام خمینی، در پیشبرد انقلاب ایران مؤثر است

هواداران حزب دمکرات کردستان ایران (پیرو کنگره چهارم) یا صدور اعلامیه‌ای در آستانه ۲۲ بهمن، سالگرد پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران، پشتیبانی مجدد خود را از انقلاب ایران اعلام کردند.

### در این اعلامیه آمده است:

«۲۲ بهمن یادآور اوج جانفشانیهای مردم انقلابی میهنان بر علیه ظلم و ستم شاهنشاهی وابسته به امپریالیسم است. مبارزات مداوم و خستگی‌ناپذیر خلقهای ایران علیه رژیم سرسپرده پهلوی در ۲۲ بهمن ۵۷ توانست رژیم محمدرضاشاه را سرنگون سازد و انقلاب مردمی و سوسیالیستی مردم ما به رهبری امام خمینی را به‌روز گرداند. در حکم مبارزات علمی و ظاهرات قهرآمیز مردم ایران بر علیه رژیم وابسته، کارگران اعمال ضدخلقی رژیم در حقیقت امپریالیسم آمریکا بود که گاهی شریف امامی را به سینه می‌آورد و گاهی از عاری و زمانی پختیار را. «طیغم تمام توطئه‌های امپریالیسم جهانخواه، به سرکردگی آمریکا، چنانچه علیه انقلاب ضد استبدادی - ضد امپریالیستی- خلقهای ایران، رژیم پهلوی سقوط کرد و سندی بزرگ در کار برداشته شد. اما امپریالیسم بنا به ماهیت سوسیالیستی خود تاب. تحصیل انقلاب را نداشت و همچنان به توطئه علیه انقلاب ایران ادامه داد و بوسیله عوامل و دستانت از یکسو تبلیغ می‌کرد که اسلام انقلابی صورت نگیرد (ضد انقلاب و مائوئیست) و از سوی دیگر عنوان میکرد انقلاب تمام شده و مردم به خواست‌هایشان رسیده‌اند (لیرالها) و بدینوسیله سعی می‌نمودند انقلاب را به شکست بکشاند و یا در چارچوبه منافع لیرالها محدود کنند که آنها در نهایت شکست انقلاب بود. «طیغم سازش لیرالها با آمریکا و کار»

ایران آزاد نموده و انقلاب را در هم شکند. اما چون این توطئه وحشیانه نیز توانست ضربه‌های جدی بر انقلاب وارد آورد، امپریالیسم در تدارک توطئه دیگری است که رخدادهای اخیر از ظاهرات تشنج‌زا در تهران و دیگر شهرستانها، تا شایعه برآگهی و حمله به شهرهای کردستان از جانب ضدانقلابیون مسلح (ناست یسا ندانسته) تدارک و فراهم کردن مقدمات انجام توطئه تازه‌تر و گسترده‌تر امپریالیسم آمریکا می‌باشد.

ما هواداران حزب دمکرات کردستان ایران (پیرو کنگره چهارم) در آستانه دو مین سالگرد انقلاب ۲۲ بهمن ۵۷، ضمن اعلام پشتیبانی مجدد از انقلاب اسلامی ایران، در کوشش جهت حفظ انقلاب از توطئه‌های امپریالیسم و نجات کشور از تمامی اشکال وابستگی، یادآوری این نکته را نیز لازم میدانیم که مسئله کردستان، بر اساس پیام تاریخی ۲۲ آبان ماه خمینی، در پیشبرد انقلاب ایران و تصحیف ضد انقلاب و جلوگیری از تبدیل این منطقه به جولانگاه دشمنان مؤثر خواهد بود.

ما در آستانه این روز تاریخی، بار دیگر بر ضرورت وحدت تمامی مردم میهنان جهت حفظ و تملوم انقلاب و مبارزه با دشمن شماره یک خلقهای میهنان - آمریکا تأکید کرده و هر نوع جدایی و تفرقه‌انگیزی در صفوف خلق را به نفع آمریکا میدانیم. نجات انقلاب ایران از توطئه‌های امپریالیسم تنها با اتحاد تمامی نیروهای انقلابی و مدافع جمهوری اسلامی ایران امکان‌پذیر است.

دو مین سالگرد ۲۲ بهمن بر خلقهای ایران گرامی باد. مرگ بر امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا. پیش بسوی حل مسأله‌های اساسی مردم کردستان در چارچوب انقلاب ایران»

## ۸۰۰ حله پروغن احتکار شده بین مردم قزوین بخش شد

نامه مردم ۹۴ از قزوین، محل یکی از دستگیران قزوین به‌سپاه اختیاری این حله پروغن توسط پاسداران اطلاع داده شده بود.

این شهر ضبط شده و در دسترس مردم قرار گرفت. بنا به گزارش خبرنگار شده بود، توسط سپاه پاسداران



### این هفته در نامه «مردم» بزبان کردی میخوانید:

تبریک کمیته مرکزی حزب توده ایران به امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، به مناسبت دو مین سالگرد انقلاب بزرگ مردمی ایران

پیام امام خمینی به مناسبت دو مین سالگرد پیروزی انقلاب - نظری به دستاوردهای انقلاب در دوسال گذشته

دستاوردهای انقلاب که در میان آتش و خون دست آمده‌اند... جشن آراسته خلق در دو مین سالگرد انقلاب در سراسر کشور

### رزمندگان نیروی...

پس از صحنه ۱ قرار دادند. در نتیجه این حمله وحشیانه، ۳ تن از اهالی شهید و ۵۴ تن مجروح شدند. این اعلامیه همچنین حاکیست که رزمندگان هوایانی نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران (هواپرواز) رو ۲۵ بهمن ماه، مواضع تجاوزگران صدامی را در جبهه آبادان مورد حمله قرار دادند و یک تانک و دو توپ و ۱ خودروی دشمن را منهدم کردند. در جریان این حمله تعدادی از متجاوزین به‌لاکت رسیدند و یا مجروح شدند.

بر اساس همین اطلاعیه صبح روز ۲۵ بهمن نیز، بر اثر اجرای آتش خهارمانند از رزمندگان انقلاب، در یکی از جبهه‌های غرب، یک نفر بر علیه و یک نفر بانی دشمن، منهدم شد و حدود ۱۰ نفر از متجاوزین کشته و یا مجروح شدند. همچنین بر اثر اجرای آتش خهارمانند از ۱۰۸ میلیتری رزمندگان ژاندارمری در جبهه غرب، حدود ۱۵ تن از متجاوزین به‌لاکت رسیدند و تعدادی از سنگرهای انفرادی و گروهی دشمن منهدم شد.

این اعلامیه همچنین حاکیست که در روزه‌های روز ۲۵ بهمن ماه در جبهه‌های جنوب و غرب، ۱۳ نفر از افراد ارتش جمهوری اسلامی ایران به شهادت رسیدند و معدای نیز مجروح شدند. در همین اطلاعیه ضمن اشاره به تصرف ارتفاعات ته و پاسگاه ژالانه، تعداد کشته‌شدگان دشمن در جریان این درگیری ۸۰ تن اعلام شده است.

گزارش خبرنگار خبرگزاری پارس از جبهه‌های سوسنگرد و مالکیه حاکیست که بر اثر اجرای آتش خهارمانند از رزمندگان انقلاب حدود ۲۵ سنگر انفرادی و گروهی متجاوزین در مالکیه نابود شدند و تقریباً (بهاست) نیز منهدم شد. بر طبق گزارش دیگری روز ۲۶ بهمن ماه یکی از مواضع دشمن در محور سوسنگرد - پستان زیر آتش خهارمانند از رزمندگان انقلاب قرار گرفته که در نتیجه تعدادی از سنگرهای متجاوزین نابود شد و حدود ۲۰ نفر از متجاوزین کشته و یا زخمی شدند. همچنین گزارش دیگری از محور کرخه حاکیست که در همین روز، با آتش توپخانه سنگین رزمندگان ارتش جمهوری اسلامی ایران و دیدمانی لاوران بسج حشایری یک تانک و یک لودر دشمن نابود شد.



وزیر خارجه کامبوجیا:

### هیچ سیاست خصمانه‌ای نمیتواند روند بازسازی و توسعه در جمهوری خلق کامبوجیا را سد کند

مونسن، وزیر خارجه کامبوجیا گفت: هدف پیشنهادی کنفرانس وزیران خارجه ویتنام، لاوس و کامبوجیا رسیدن به صلح و ثبات در آسیای جنوب شرقی است و این پیشنهادها منابع درازمدت همه کشورهای آسیای جنوب شرقی را که خواهان علی شدن اوضاع در منطقه هستند، دربر می‌گیرد. وی گفت: «تبا گفت و شنود میان کشورهای «آسه آن» و سه کشور هندوچین، که بوسیله شرکت کنندگان در کنفرانس به آن اشاره شد، می‌تواند به از میان بردن مشکلات موجود در روابط میان آنها کمک کند».

مونسن تأکید کرد: «درگرگولی کامبوجیا، که بعد از سقوط داروسته خون‌آشام پول پوتسینگساری صورت گرفته، غیرقابل برگشت است و هیچ سیاست خصمانه‌ای نمی‌تواند روند بازسازی و توسعه در جمهوری خلق کامبوجیا را سد کند».

وزیر خارجه کامبوجیا ضمن اشاره به حمایت تایلند از بقایای پانده پول پوتس، که تحت فشار آمریکا و چین صورت می‌گیرد، گفت: «این اقدامها تنها به حل و فصل مسائل میان دو کشور کمک نمی‌کند بلکه بریان خود تایلند نیز هست».

### تبلیغات تحریک آمیز مراکز رادیویی غرب علیه لهستان همچنان ادامه دارد

هدف تبلیغات تحریک آمیز مراکز رادیویی غرب علیه لهستان، متشنج کردن هرچه بیشتر اوضاع داخلی این کشور است. این تبلیغات مفسدمجویانه از سوی ستاد پیمان نظامی ناتو رهبری میشود. در این زمینه رادیوی «اروپای آزاده»، که مرکز آن در جمهوری فدرال آلمان است و با اختیارات سازمانهای جاسوسی آمریکا اداره میشود، بیش از تمام مراکز تبلیغاتی غرب فعالیت دارد. گفتارهای تحریک آمیز «اروپای آزاده»، صدای آمریکا، «بریسر» و «موج آلمانی» همه در جهت برانگیختن دولت و نظام سوسیالیستی لهستان و تحریک رادیوئی توده‌های مردم در برابر دولت است.

### آمریکا تروریسم بین‌المللی را سازمان می‌دهد

کنفرانس پان قریس حزب ترقرخواه زحمتکشان قریس در نیکوزیا برگزار شد. در این کنفرانس «سیکیوس پاپایوآتو» دبیر کل این حزب، طی سخنانی براساس بودن تلاش‌های دولت ونگان منیر بر متهم کردن اتحاد شوروی را به شرکت در تروریسم بین‌المللی مورد تأیید قرار داد. «پاپایوآتو» ضمن اشاره به جنایات امپریالیسم آمریکا در ویتنام و رویدادهای شیلی و ایران و کودتای فاشیستی در قبرس گفت:

«این امپریالیسم آمریکلیست که تروریسم بین‌المللی را سازمان می‌دهد، آنرا از لحاظ مالی تأمین می‌کند و از رژیم‌های ارتجاعی دوسرگس جهان حمایت می‌کند».

### همکاری رژیمهای مصر و سومالی در زمینه نظامی توسعه می‌یابد!

رژیمهای مصر و سومالی، که هر دو با اینکه در اختیار امپریالیسم آمریکا قرار داده‌اند، همکاری‌های نظامی خود را توسعه میدهند. یک هیئت نظامی سومالی برای مذاکره با رهبران نظامی مصری وارد قاهره شد. قرار است رژیم قاهره مستشار نظامی، فاک و سلاحهای دیگر به سومالی ارسال دارد.

## سیاست تجاوزگرانه رهبری چین علیه ویتنام، محکوم به شکست است

چین تجاوزات عمقی دامنه‌داری در حریم آبی و هوایی انجام میدهد. هم‌اکنون چین برای پیشبرد اهداف توسعه طلبانه‌اش کلیه راهها و تاسیسات نظامی واقع در مناطق مرزی ویتنام را بگونه‌ای شتاب آلود می‌سازد و واحدهای بسیاری از نیروهای مسلح خود را در نوار مرزی ویتنام متمرکز می‌سازد و تمامی تلاش خود را مصروف افزایش و خاست منطقه و تیرمسخنناسیبات با ویتنام می‌کند. این کشور عاقدانه‌وعلا در مسیر عادی‌ساختن روابط سنگ‌اندازی میکند. از فروردین‌ماه سال ۵۸ تاکنون هیئت‌های فاینده‌گی دو کشور پنج بار در هاتوی و دیواردرینکن تشکیل جلسه داده‌اند. گردهمایی آینده این رشته مذاکرات قرار بود چندین ماه قبل برگزار شود. ولی هیئت‌نمایندگی چین، ضمن انتشار بیانیه‌ی هایی از مضمون بیگانه با حل مسالمت‌آمیز اختلافات ارضی مطروحه، از حضور در مذاکرات سرپا زد.

براین بنیان، چین بازی دوگانه سیاسی تحریک آمیزی را به نمایش گذارد. چین از سوی با این واکنش صمیمانه آمیز قصد داشت ویتنام را به هراس آنگند و از سوی دیگر رهبران ویتنام را به زیربنا نهادن روش اصولی و براعتبارشان و بدنبال آن گسستن روابط با چین تاگزیر سازد. در این بین، چین برای توجیه زمینه‌سازی تجاوزات گذشته و سرپوش نهادن بر دسیسه‌های توسعه طلبانه آینده، هرازگاهی یکبار، از جانب مرتدان و ضدانقلابیون سرسپرده ویتنامی زیر نام «میدین برستان راستین ویتنام» یا «میدان دمکراسی ویتنام» بیانیه‌های دربار به ضرورت انقلاب توتنی» (مرشک‌مانند قاجم خوتبار کامبوجیا) منتشر میکند و از زبان آنها خواهان «درسم عبرت‌آموز» به ویتنام می‌شود. بدین سان، چین تجاوز جدیدی را تدارک می‌بیند.

**هم شگرزی مائوتسینگ و امپریالیسم**

ولی آنچه نیایستی از نظر دورداشت مهارت است از انزایب خصلت اجتماعی، محتوا و راستای سیاست برتری‌جویانه و توسعه طلبانه چین، که از طبیعت بیخیش مائوتسینگ سرچشمه می‌گیرد. اینک مائوتسینگ و امپریالیسم در هیبتندی میان و عریان و با اعمال سیاسی و نظامی یکسان علیه خلقها، دست به جنگ افروزی و جبهه گشایی می‌زنند. محافل جنگ طلب امپریالیستی برای مقابله با کامیاب‌های خلقها در روند واحد انقلاب جهانی، به سیاست ماجراجویانه و توسعه طلبانه و برتری‌جویانه رهبری چین بمثابة اقرار آرموده شد - کمونیستی و به چین بمثابة همسنگر و هم پیمان خود می‌نگرند.

از سوی دیگر، شکی نیست که خلق قهرمان ویتنام، که همواره از هیستگس گسترده نیروهای انقلابی جهان برخوردار بوده و هست، در آینده نیز نقشه‌های تجاوزگرانه رهبری ارتجاعی چین و هم پیمانان امپریالیستی آن را با شکست پیورود خواهد ساخت.

در پرتو این حقیقت، می‌توان اشارات هشداردهنده نفیسه در قلمنامه هشتمین کنفرانس حزب کمونیست چین را به خوبی درک و هضم کرد. در قلمنامه کنفرانس از جمله تصریح می‌شود:

«گرایش‌های توسعه طلبانه و ابر-قدرت‌مآبانه بصورت خطری جدی درخواهد آمد، اگر که راه بر آن سد نشود»

**جیش ازدهای چین و استراتژی تسخیر جهان مائو**

جیش ازدهای چین به هند، و آنگاه در بهمن ماه ۱۳۵۷ به ویتنام، تبدیل کامبوجیا به سرپل توسعه طلبی و دیگر تحریکات و تهاجمات بر شمار مسلمانان برضد همسایگان خود، همگی در پیوند با برنامه‌های تجاوزگرانه یکن و بخشی از استراتژی کلی و دوررس چین بود. مائو خطوط اساسی برنامه توسعه طلبی و دست اندازی چین را بیان کرده است. در قیرام ۱۳۳۸، مائوتسینگ بدون پرده پوشی اعلام داشت:

«ما بایستی جهان را تسخیر کنیم. جهان هدف ما است»

مائو در سال ۱۳۴۴ چنین گفت:

«ما باید بطور قطع آسیای جنوب شرقی، از جمله ویتنام جنوبی، تایلند، برمه، مالزی، و سنگاپور ... را به چنگ آوریم، زیرا منطقه‌ای بسیار غنی و سرشار از کانها»

... است. زمانیکه ما بر این خطه زرخیز تسلط یابیم، دیگر بلدهای وژان از جانب شرقی بر بلدهای وژان از جانب غرب حیره خواهد گشت».

وارثان مائو نیز به نحوی بیگیر و هدفمند در راه اجرای این آرزوهای بگور سهرده مصدر مائو، تلاش می‌ورزند.

**یاخت تاریخی نصیب توسعه طلبان است**

رهبری چین، بنا به سنت‌های سلطه گران امپراتوری قودالی چین، سخن دربار «حق درس آموختن به ویتنام» سر داد این ماجراجویی، یا مقابله نتوانند ویتنام سوسیالیستی و در پرتو قهرمانی‌های خلق ویتنام و هیستگی اردوگاه سوسیالیسم و نیروهای مترقی و صلحدوست به فرجام محتوم خود انجامید. شکست تجاوز توسعه طلبان چینی گواه زنده‌ای بر آنست که چنین سیاستی بطور پرهیزناپذین محکوم به شکست است و یاخت تاریخی را نصیب می‌کند، زیرا در صحر حاضر، تجاوز علیه هر دولت مستقل، بویژه دولت سوسیالیستی، بیوقع سرکوب می‌شود.

**یازی دوگانه سیاسی چین و تسلط و تهاجم جدید**

با وجود گذشت دوسال از تاریخ جنگ تجاوزگرانه مرزی چین علیه ویتنام، سرمازان چینی همچنان به تجاوزات و تحریکات مرزی ادامه میدهند. اخیرا حتی این تجاوزات و تحریکات تشدید گردیده است. سرمازان چینی مکررا روستاهای ویتنام را زیر شلیک خمپاره می‌گیرند.

روز ۲۸ بهمن ماه ۱۳۵۷ نیروهای مسلح چین از فوتکوتا شهر ساحلی مونگ کائی، در امتداد یک جبهه گسترده ۱۶۰۰ کیلومتری، تهاجم خود به ویتنام را آغاز کردند. این تجاوز پرحاشیه و خونین با شلیک رفته‌نابذیر توپخانه سنگین چین بر روی شهرها و روستاهای ویتنام قهرمان آغاز شد و آنگاه فاکها دست به تهاجم زدند. به دنبال آن، نیروی زمینی با تجهیزات کامل وارد عمل گردید. بساتر مقاومت قهرمانانه نیروهای ویتنامی، تلفات سنگین تجاوزگران چینی تا تاریخ ۹ اسفند ۱۳۵۷ از این قرار بود: ۲۷۰۰۰ سرباز چینی کشته و زخمی شدند، ۲۳۰ وسیله نقلیه نظامی و از جمله بیش از ۳۰۰ تانک نابود گردید، یورش چین از طریق تمرکز ارتش ۶۰۰۰۰۰ نفری در مرز ویتنام و صرف در حدود ۶۰۰۰۰ میلیون یوان از نتیجه دسترجم زحمتکشان چینی انجام پذیرفت. و سرانجام، توسعه طلبان چین، از پذیر خونینی که در خالو ویتنام افتادند، جز شکست محتوم و قضاحت‌بار ندروریدند.

### تجاوز به ویتنام بدیده استثنائی در سیاست چین نبود

تجاوز گسترده چین به ویتنام، بدیده استثنائی و رخدادی بدون مقدمه نبود. تنها حادثه آخرینی‌های چین در مرز ویتنام، طی سال ۱۳۵۶، نشانگر بیش از ۲۹۸ مورد تجاوز مرزی است. شمار تجاوزات نیروهای مسلح چین در سال ۱۳۵۷ به ۵۸۴ مورد سر مرزد، فزون بر آن، در یکصد مورد به حریم هوایی و ۴۸۱ مورد به حریم دریایی ویتنام تجاوز گردید.

**چنگ تجاوز کارانه رهبران چین علیه ویتنام سوسیالیستی، ادامه منطقی سیاست داخلی زیان بخش و سیاست خارجی ماجرا-جویانه متکی بر توسعه طلبی و برتری‌جویی، و بطور مشخص جلوه روشنی از سرشت شورنیم عظمت طلبانه در عرصه عمل بود.**

**افسانه «سرزمینهای از دست رفته»**

تجاوز به ویتنام گامی در جهت تحقق بخشیدن به رویاهای شیرین توسعه طلبان چین - مینی بر دستاورد به «سرزمینهای از دست رفته» به حساب می‌آید. افسانه «سرزمینهای از دست رفته» دیگر داستانی رمز آلود و راز سر به مهر نیست. کتاب «تاریخ مختصر چین معاصر» که در ژمه چهل در چین انتشار یافته، حاوی نقشه‌ایست از «سرزمینهای از دست رفته‌ای» که در پین سالهای ۱۲۹۸-۱۲۹۹ از سوی «امپریالیست‌ها» به تصرف درآمد. است.

برای بریدن پهنه‌های سیری‌ناپذیر توسعه طلبان چین، نگاهی به نقشه کمایت می‌کند. این نقشه جغرافیایی سرزمینهای برمه، ویتنام، تایلند، مالزی، نپال، بوهان، ایالت سرگم و جزایر آندامان هند، لمجمع الجزایر سولوی فیلیپین، کوره، مغولستان، و مناطق مرزی چشمگیری از اتحاد شوروی را در محدوده مرزی چین مشخص ساخته است!

## سیل تسلیحات آمریکائی بسوی خاور نزدیک روان است

به این کشورها انعام میشوند. طبق آمار منتشر شده در هفته نامه «دیونایتست» نیز از آنه ورلد ریسورته شمار کارشناسان و مستشاران نظامی آمریکا تنها طی سال گذشته در عربستان سعودی ۵۰۰ برابر و در مصر دو برابر شده‌اند.

طی چهار سال اخیر، معادل ۳۳ میلیارد دلار اسلحه و تجهیزات جنگی آمریکائی به کشورهای این منطقه صادر شده است. ۹۰ درصد کل این تسلیحات به مصر، اسرائیل و عربستان سعودی فروخته شده است. همراه با فروش تسلیحات، گروهای کارشناس و مستشاران نظامی آمریکا

مذهبی افغانستان، در این اجلاس و ترقی هرچه بیشتر و تحکیم تحولات انقلابی به این جبهه می‌یونند».

افغانستان اشاره کرد. سعید محمد علی‌شاه توکلی، گفت: «مسلمانان کشور برای پیشبرد

افغانستان اشاره کرد. سعید محمد علی‌شاه توکلی، یکی دیگر از علمای برجسته